

فتح نامه نویسی (در ایران و اسلام)

پریسا قربان نژاد

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه

چکیده

فتح نامه‌ها، نامه‌هایی بودند که از سوی سلاطین یا فرماندهان لشکر به جهت اعلان رسمی فتوحات و پیروزی در عملیات نظامی به اطراف و اکناف ممالک، خطاب به ملوک، سلاطین و ولات فرستاده می‌شدند. به نظر می‌رسد تقریباً از دوره خلفای راشدین تا دوره افشاریه نگارش فتح نامه در جهان اسلام رایج بوده است این نامه‌ها جزو اسناد و مکاتیب ادبی، سیاسی و اجتماعی محسوب می‌شدند و حاوی اطلاعات ارزشمندی در خصوص اوضاع کلی جامعه، علت جنگ‌ها و فتوحات بودند، حتی مطالعه آنها در شناخت ادبیات رایج آن دوره و سبک دیوان‌الرسائل مؤثر بود. به طوری که بعضی از فتح نامه‌ها همچون تاریخ یک قوم محسوب می‌شدند. از عصر عباسی به بعد فتح نامه علاوه بر انعکاس اوضاع خاص حاکم بر هر دوره حکومتی تقریباً ارکان ثابتی بر خود پذیرفتند و انسجام بیشتری یافتند. نگارنده مقاله قصد دارد مروری کوتاه بر سیر تحول فتح نامه نویسی در جهان اسلام از آغاز تا عصر عثمانی داشته باشد و در حد بضاعت مهمترین فتح نامه‌های هر دوره را معرفی کند.

مقدمه

فتح نامه‌ها (نامه‌های فتح) در میان مکاتیب و مدارک تاریخی سابقه‌ای طولانی داشتند و

فرهنگ، ۷۱؛ پاییز ۸۸؛ صص ۲۱۶-۱۷۹

۱۸۰ فرهنگ، ویژه تاریخ

از اقسام مکاتیب دیوانی محسوب می‌شدند. قلقشندی فتح‌نامه‌ها را جزو نامه‌های بسیار مهم و با ارزش می‌داند (قلقشندی، ج ۸، ۲۷۵). فتح‌نامه را موهبت‌نامه یا بهجت‌نامه هم می‌گفتند، (نوایی، ۱۳۷۰: ۱۹۶-۱۹۲ نیز: فریدون‌بیگ، ۱۳۷۴: ج ۱، ۱۵۹)؛ زیرا فاتحان، متن نامه را به گونه‌ای تنظیم می‌کردند که حاکی از تحقق وعده الهی بر اهل طاعت بود و فتح و پیروزی حاصل را نعمت و موهبت خداوند تلقی می‌کردند. معمولاً فتح‌نامه‌ها در مجامع عمومی (به خصوص مساجد جامع) و در روزهای جمعه هنگام اقامه نماز بر بالای منابر خوانده می‌شدند (قلقشندی، ج ۲، ۳۲۷. نیز: ابن اثیر، ۱۳۴۴: ۲۹۸. نیز: خطیبی، ۱۳۶۶: ۳۷۹). و پس از آن جشن‌هایی برپا می‌شد و بازی‌هایی ترتیب می‌یافت و انجام این‌گونه کارها همیشگی و واجب نبود (بیهقی، ۱۳۶۷: ۴۵۷، ۴۳۴، ۴۰۲، ۳۹۳؛ نیز: دهنخدا، ذیل فتح‌نامه). خلفا و امرا به سرداران فاتحشان خلعت می‌بخشیدند و در بعضی مناطق دوختن «قبای فتح» نیز مرسوم بود.^(۱)

طی تاریخ اسلام، موضوع فتح‌نامه‌نویسی به تدریج رشد و گسترش یافت. بدین شرح که پس از آغاز فتوحات و در عصر خلفای راشدین، فتح‌نامه‌ها همانند مکاتیبی کوتاه، تنها حاوی نتیجه نبرد بودند و به خلیفه وقت یا فرمانده ارشد ارسال می‌شدند (ابن اعثم کوفی، ۱۳۷۳: ۱۸۵، ۱۱۶-۱۱۸، ۹۸، ۸۵)؛ اما کم‌کم نگارش این نوع مکاتیب سامان یافت، منسجم شد و اطلاعات موجود در آنها منعکس‌کننده اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن عصر گردید و حتی اهل ادب نیز به نحوه نگارش این مکاتیب نظارت کردند و بر چینش ارکان آن نظر داشتند (قلقشندی، ج ۸، ۸۸۱؛ نیز: گاون، ۱۹۴۸ م: ۱۹۷-۱۹۳). از نظر تاریخی نیز فتح‌نامه‌نویسی از عصر ایلخانی تا عثمانی (حدوداً ۹۳۰-۶۲۸ ه. ق)^(۲) که دوره بی‌ثباتی سیاسی و اجتماعی در جهان اسلام بود گسترش کمی و کیفی فراوانی یافت.

در اهمیت این مکاتیب نیز می‌توان گفت که مطالعه آنها در شناخت سبک سران دیوان‌الرسائل، که اغلب عهده‌دار نگارش فتح‌نامه‌ها بودند، مؤثر است و اگر این مکاتیب مستند و به دور از گزافه‌گویی و مبالغه تنظیم می‌شدند، به‌عنوان سند تاریخی با ارزش در نظر پژوهشگران تاریخ واقع می‌شدند.

معمولاً هدف از نگارش این نوع نامه‌ها، ایجاد هیاهوی تبلیغاتی، قدرت‌نمایی در برابر دشمن و تخویف و تهدید آنان، مسرت‌بخشیدن به سلاطین وقت و خلفای هم‌پیمان و

فتح‌نامه‌نویسی (در ایران و اسلام) ۱۸۱

دوستان سیاسی بود؛ البته اگر قرار بود فتح‌نامه‌ها پس از پیروزی و تفوق بر کفار نوشته شود، هدف از آن اعلام عزت اسلام و توفیق در گسترش دین الهی بوده است (همان، ۲۸۱/۸ و ۲۷۸). گاه نیز به فراخور اوضاع زمان (به خصوص از عصر ایلخانی تا صفوی و عثمانی) جنگ لفظی مذاهب علیه هم در آنها مشهود بود، که البته عقاید و تعصبات مذهبی دولتمردان در آن مؤثر بوده است.^(۳) همچنین اگر هدف نگارندگان فتح‌نامه‌ها، ایجاد هیاهوی تبلیغاتی یا قدرت‌نمایی صرف یا فقط اهتمام به انشاء و رعایت نکات ادبی بود، معمولاً فتح‌نامه‌ها فاقد ارزش تاریخی می‌شدند. چه بسا در پی همین سیاست فتح‌نامه‌های دروغین در تاریخ نوشته شدند.^(۴)

نگارش فتح‌نامه‌ها معمولاً به این صورت بود: «اگر سلطان خود به جنگ می‌رفت؛ صاحب دیوان رسائل با دبیرانی چند، کارآموده و برگزیده در رکاب او بودند و هنگام حصول پیروزی یا وقوع شکست، فتح‌نامه‌ها را تنظیم می‌کردند و دبیران از آن نسخه برداشتند» (خطیبی، ۱۳۶۶: ۳۷۹ به نقل از ادیب پیشاوری ۵۸۳). چنانچه در تاریخ بیهقی آمده است: «بونصر را بگوی تا فتح‌نامه‌ها نسخه کند» (بیهقی، ۱۳۶۷: ۴۶۰). اما اگر یکی از امیران یا سپهسالاران به دفع خصم می‌شتافت به تناسب مقام و مرتبت وی، دبیری را از دیوان رسائل همراه او می‌فرستادند و این دبیر سمت مشاور او را داشت و هم خبر فتح یا شکست را با ذکر جزئیات به دیوان رسائل می‌نوشت و دیوان در صورت لزوم، فتح‌نامه‌ای ترتیب می‌داد و پس از توقیع به اطراف مملکت و دیگر کشورها می‌فرستاد. این رسم به همین کیفیت در ایران پیش از اسلام نیز مرسوم و متداول بوده است (جهشیاری، ۱۳۴۸: ۲). البته گاهی فرمانده سپاه، خود دبیری نیز می‌دانست و فتح‌نامه را شخصاً می‌نگاشت.^(۵)

نهایتاً آنکه فتح‌نامه را یا یکی از منشیان فرمانروا حاضر در میدان نبرد می‌نوشت که در این صورت حاوی اطلاعات دقیق‌تر و از اصالت و وثوق بیشتری برخوردار بوده است؛ زیرا مراحل کامل جنگ، نام‌های فرماندهان اصلی جزئیات کارزار، طول و عرض جغرافیایی منطقه، سفارش سلطان مبنی بر جدیت در کارها و شکوفایی مساجد و برپایی نمازهای پنج‌گانه به جماعت و ... در آن ذکر می‌شد، (ابوبکر بن عبدالله، ۱۳۸۷: ۲۵-۲۰). یا آنکه بعداً در دیوان فرمانروایی انشاء و تنظیم می‌گردید که در این صورت هرچند از انسجام بیشتری

برخوردار بود جنبه ادبی آن غالب و شاید دخل و تصرفهایی در آن صورت می‌گرفت. «گاهی فتح‌نامه بعدها پس از جنگ نوشته می‌شد و چون فتح‌نامه اصلی در دسترس نبود، به عنوان اثر انشایی محسوب می‌گردید که آلوده به زیاده‌گویی می‌شد و تنها دارای ارزش ادبی بود؛ مثلاً در فتح چالدران نزدیک ده نوع فتح‌نامه وجود داشت که هیچ‌کدام فتح‌نامه اصلی و صحیح پیروزی نبوده است و تنها اثر ادبی محسوب می‌شدند» (Lewis, Encyclopaedia of Islam p.۸۴۰).

بررسی سبک انشای فتح‌نامه‌ها از عصر خلفای راشدین به بعد حاکی از آن است که تقریباً دارای سبکی مطنب، آراسته به انواع صنایع لفظی و معنوی و اشعار پارسی و عربی و تمثیلات و استعارات و آیات و اخبار و اغراق و مبالغه در بیان معنی و مفاهیم و بسط و تأکید و توضیح و تفسیر کامل بوده‌اند و به لزوم مراعات این نکات در این‌گونه منشآت، اکثر ارباب ادب و بلاغت تصریح کرده‌اند.^(۶) معمولاً مقامات دولتی در نگارش فتح‌نامه‌ها از الگوی واحدی پیروی نکرده‌اند؛ زیرا گاهی سبک فتح‌نامه‌ها متکلف بوده و گاه سبک نوشتاری ساده‌ای داشته است، حتی گاه از سبک رایج زمان خود نیز تبعیت نکرده است؛ زیرا به سلیقه نگارنده بستگی داشته است: «بدان که هر رکنی از منشور و فتح‌نامه سعت و نسختی دارد اگر منشی داند که مقام اقتضای اسهاب و اطناب کلام است می‌تواند که سیر کمیت قلم را در میدان سخن به قدر مشتتها به خاطر بدواند». (گاوان، ۱۹۴۸م: ۱۹۷)

به نظر می‌رسد فتح‌نامه‌ها در ابعاد مختلف قابل بررسی هستند؛ زیرا می‌توان با قرائت متن آنها تا حدودی هم با ادبیات نظم و نثر (برخی از فتح‌نامه‌ها منظوم بوده‌اند) آن عصر آشنا شد و حتی ویژگی‌های زبان نوشتاری آن دوره اعم از فارسی، عربی و ترکی را شناخت و تأثیر و تأثر آنها را بر هم بازکاوید و هم با مطالعه آنها شرایط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی آن عصر را دریافت نمود. اینکه در چه منابع و مأخذی می‌توان فتح‌نامه‌ها را جست‌وجو کرد، باید به ظفرنامه‌ها^(۷)، جنگ‌ها، کتب مغازی و فتوح، منابع و مأخذ مربوط به تاریخ سیاسی اسلام از جمله طبری، کامل ابن اثیر، بیهقی، تاریخ یمنی و ... و به خصوص منشآت و مکتوبات و جنگ‌هایی که اسناد و مکاتیب تاریخی ایران و اسلام در آنها وجود دارد، مراجعه کرد — که اغلب به صورت منابع الکترونیکی در کتابخانه‌ها موجود است — یا کتاب مهم *النریعه الی*

فتح‌نامه‌نویسی (در ایران و اسلام) ۱۸۳

تصانیف/الشیعه و فهرست‌واره ایران و پاکستان که لیستی از فتح‌نامه‌ها را در اختیار می‌گذارند. هرچند پراکندگی فتح‌نامه‌ها در مآخذ و منابع فوق کار جست‌وجو را دشوار می‌سازد. در خصوص زبان نوشتاری فتح‌نامه‌ها در ادوارمختلف اسلامی باید گفت با توجه به حاکمیت خلافت عربی در جهان اسلام معمولاً این نامه‌ها به زبان عربی نوشته می‌شدند؛ اما در بعضی مناطق جغرافیایی و تحت تأثیر حاکمان فارس زبان مثلاً در عصر تیموری (در شیراز و اصفهان) زبان فتح‌نامه‌ها به فارسی بود. نگارش این نامه‌ها در عصر عثمانی به زبان ترکی بوده است. البته علاوه بر آیات قرآن، امثال و حکم و اشعار فارسی نیز در آن به کار می‌رفت. به نظر می‌رسد قدیمی‌ترین فتح‌نامه‌ای که به زبان پارسی بعد از اسلام در دست است از قرن ششم هجری قمری است از این قرون به بعد نمونه‌های زیادی از فتح‌نامه‌ها باقی مانده است.^(۸) شاید آخرین فتح‌نامه‌نویسی‌ها به شیوه‌ای که در بالا توضیح داده شد به دوران نادر شاه افشار (۹۲۴-۹۳۳ق) بازگردد^(۹) و از آن به بعد کم‌کم به علت حضور رسانه‌های جمعی در زندگی مردم، اخبار فتح و پیروزی از طرق گوناگون به گوش مردم می‌رسید.

بررسی سابقه فتح‌نامه‌نویسی قبل از اسلام

الف - عربستان پیش از اسلام

به نظر می‌رسد در ادبیات و مکاتیب عربستان عصر جاهلی، نوشته‌ای که بتوان از آن به عنوان «فتح‌نامه» یادکرد، وجود نداشته است؛ اما از مظاهر شعر جاهلی که در متابعت از اخلاق و وضع اجتماعی و نظام قبیله‌ای سروده می‌شد، می‌توان از «ایام‌العرب» نام برد که در ادبیات منظوم عرب سابقه‌ای دیرین داشته است و جلوه‌گاه حقیقی حماسه و مفاخره بوده است (الفاخوری، ۱۳۶۸: ۴۲؛ ضیف، ۱۳۶۴: ۲۳۰-۲۱۶). در واقع از نظر عرب پیش از اسلام و حتی صدر اسلام، کسانی که در پیکارها پیروز می‌شدند، می‌توانستند بر خود ببالند. این نوع از ادبیات به عقیده دانشمندان در میان اقوام سامی مرسوم بود و در کهن‌ترین بخش‌های عهد عتیق نمونه‌هایی از آن موجود است. (همان، ۶۲؛ نیز: Roserthal, 1968: p. 20-21)

در واقع عشق شدید به افتخار، خصیصه برجسته عرب بود و شعرای جاهلی در اشعار «ایام»، فتح و ظفر قومشان را نشان می‌دادند و قصاید حماسی و مفاخرات، بیش از نیمی از اشعار

عرب جاهلی را به خود اختصاص داده بود؛ زیرا فضایی ستایش می‌شد که بیشترین قدر و قیمت را نزد اعراب داشت و دفاع فردی و جمعی از خانواده و قبیله، امری مقدس به‌شمار می‌رفت. این اشعار به وصف حملات و غارات موفقیت‌آمیز، شجاعت در پیکار، پافشاری در انتقام، جوانمردی و استقامت در جنگ، هجو و تهدید دایمی قبایل متخاصم، وفاداری به قبیله خودی... دفاع از شرافت قبیله با زبانی تند و تیز می‌پرداخت (الفخوری، ۱۳۶۸: ۵۱-۵۲؛ ضیف، ۱۳۶۴: ۲۳۳-۲۳۴؛ آذرنوش، ۱۳۷۷: ۵۵). نکته قابل توجه آنکه در این اشعار همانند فتح‌نامه‌های پس از اسلام شعرای جاهلی گاه به بزرگ‌نمایی خصم می‌پرداختند و جسارت او را می‌ستودند. این نوع اشعار به «منصفات» معروف بودند (ضیف، ۱۳۶۴: ۲۲۶). در واقع اعراب پیش از اسلام به‌طور غیرمستقیم در این اشعار خودشان را می‌ستودند، که توانسته اند دشمن قوی را این چنین شکست دهند. گاه نیز به تصویرپردازی میدان رزم و انواع اسلحه‌ها و اسب‌ها و آلات جنگی می‌پرداختند (همانجا) و حتی در بخشی از آن اشعار حماسی، مرثیه قهرمانان مقتول سروده می‌شد تا قبیله را علیه دشمن بسیج کنند. البته در این نوع اشعار علاوه بر بیان نیرومندی و قدرت به برخی از ارزش‌ها و آرمان‌های والای اخلاقی هم اشاره می‌شد. این حرکت در میراث فرهنگی عرب پیش از اسلام ریشه‌ای عمیق داشت و مرسوم بود. در واقع «ایام» و «انساب» مضمون اصلی فرهنگ و ادب پیش از اسلام را در عربستان تشکیل می‌داد و طبیعتاً با عصر اسلامی پیوندی بی‌واسطه و عمیق داشته است و بعضی از جنبه‌های این ادبیات منظوم در فتح‌نامه‌نویسی پس از اسلام تأثیر مستقیم نهاده است. (هامیلتون، ۱۳۶۲: ۲۷؛ ضیف، ۱۳۶۴: ۲۲۶)

در میان آثار منثور مربوط به عصر جاهلی نیز هرچند که کمتر به‌دست ما رسیده است، آنچه که بتوان به‌عنوان سابقه فتح‌نامه‌نویسی از آن یاد کرد، شاید «خطابه» باشد که در فرهنگ شفاهی اعراب مرسوم بوده است و افراد برای اغراض مختلف سیاسی و اجتماعی از آن بهره برداری می‌کردند و در منازعات برای دفاع از خود و شرف قومشان به خطابه سرایی می‌پرداختند و به تبار و کردار و یادگارهای خود افتخار می‌کردند. هرچند بسیاری از خطابه‌ها به‌علت نبود دیوان و دولت و تشکیلات منسجم و شرایط حاکم میان اعراب ثبت و ضبط نشده است، از قراین چنین برمی‌آید که خطیبان در اعیاد و محافل بزرگ و در بازارها

و بر زمین مرتفع به ایراد خطابه می‌پرداختند، آدابی در بیان خطابه‌ها مراعات می‌کردند. بدین صورت که عبارات کوتاه بود و اغلب در لابه‌لای سخنان از حکم، امثال و تصویرآفرینی و سجع بهره می‌بردند و گاه از ملحقات خطابه‌ها، نصیحت و وصیّت صاحب مقام بود که مراعات این آداب به فتح‌نامه‌نویسی پس از اسلام بسیار نزدیک بوده است.^(۱۰)

ب - ایران قبل از اسلام

براساس وقایع‌نامه‌های دولت آشور قدیم، شاهان آشوری در بین‌النهرین بعد از هر پیروزی نامه‌ای که به صورت اعلامیه و «فتح‌نامه» بود، در پایان لشکرکشی با صدای بلند می‌خواندند تا آنان را تحت تأثیر قرار دهند (رو، ۱۳۶۶: ۲۰۰). علاوه بر آن در این دوره سنگ‌نبشته‌هایی نیز موسوم بود که فتوحات پادشاهان را به دشمنان نشان می‌داد. از جمله ساراگون دوم، شاه آشور در سال ۷۱۶ ق.م فتح‌نامه‌ای به صورت سنگ نوشته یادبود در منطقه‌ای در مرز بین‌النهرین و فلات ایران؛ یعنی جایی که امروز روستای نجف‌آباد شهرستان گنگاو در استان کرمانشاهان نامیده می‌شود، قرار دارد. گاهی شاهان رقیب نیز به مقابله و نقص فتح‌نامه هم دیگر اقدام می‌کردند. از جمله در برابر همان کتیبه فتح‌نامه سارگون دوم (۷۱۶ ق.م) در مرز داغ کتیبه رقیبش مروداخ بلدان هم که ادعاهای سارگون را رد می‌کرد، وجود دارد. شاید مشهورترین اقدام به فتح‌نامه‌نویسی در ایران باستان به اوایل دوره هخامنشیان برسد (حک: ۵۵ - ۳۳۰ ق.م).

داریوش اول احتمالاً بلافاصله پس از چیره‌شدن بر آخرین (نهمین) شورش حکومتش در ماه دسامبر ۵۲۱ ق.م به این فکر افتاد که جریان رویدادهای به دست‌گیری قدرت را از تاریخ ۲۹ سپتامبر ۵۲۲ ق.م بر دیواره صخره بگستانه جاودانی کند. این نگاره در دروازه آسیا در نزدیکی مرز بین‌النهرین و فلات ایران قرار گرفته است. در واقع این سنگ‌نگاره، فتح‌نامه‌های به سبک ایران باستان است و با این هدف نگاشته شده است تا بینندگان آن فتوحات نظامی و سیاسی داریوش اول و حقانیت حکومت وی را ببینند و کارهای بزرگ او را بستانند و درس عبرتی برای شورش‌گران احتمالی آینده باشد. خواه از ایرانیان یا ایلامی‌ها و بابلی‌ها و آرامی‌ها که در قلمرو هخامنشیان بودند. بدین ترتیب این فتح‌نامه سنگی به چهار

زبان اقوام مهم آن روز کشور ایران نگاشته شد.^(۱۰)

گاهی فتح‌نامه‌ها در عهد باستان به صورت مهری گلین یا از سنگ‌های قیمتی بود که در اسناد دولتی و سیاسی به کار می‌رفت و نقش آن پیروزی شاه بر دشمنان شاخص و مشهور بود و بدین‌گونه یادآور دایمی این پیروزی‌ها برای گوشزد به دشمنان احتمالی بعدی بوده است. نمونه آن طرح مهر کورش اول هخامنشی است که هم اکنون در دست است (هینتس، ۱۳۸۷: ۶۰-۹۹ و ۲۴۹-۲۴۷). حتی در یک مورد استثنایی در دوره ساسانیان، روحانی بزرگ مقام زرتشتی دربار، بنام کرتیر اجازه یافت فتوحات دینی و سیاسی خود را، که در سرکوبی مخالفان دین و دولت ساسانی انجام داده بود به صورت حداقل چهار سنگ‌نگاره در ایالت فارس به یادگار گذارد و به مخالفان، قدرت خویش را نشان دهد. (تفضلی، ۱۲۷۶: ۷۳۷-۷۲۲)

از زیباترین اشعار فتح‌نامه‌ای قبل از اسلام ایران، منظومه *یادگار زریران* به زبان پهلوی ساسانی است که این منظومه، اصلی اشکانی دارد و بعد از اسلام هم دقیقی و فردوسی متن پهلوی این اشعار را که پیروزی ایرانیان زرتشتی بر قوم «هون» غیر زرتشتی را بیان می‌کند به نظم فارسی دری کشیدند (ابوالقاسمی، ۱۳۸۳: ۱۰۸). این فتح‌نامه منظوم علاوه بر جهت تاریخی از ویژگی‌های اساطیری هم برخوردار است.^(۱۱)

پادشاهان ایران، هنگام لشگرکشی برگزیده‌ترین دبیران خود را همراه لشگر می‌فرستادند و فرمانده لشگر باید جز با صلاحدید و مشورت او عمل نکند و در ضمن این دبیر وظیفه داشت که اخبار فتح و جریان نبرد را بنویسد و گزارش دهد (جهشیاری، ۱۳۴۸: ۲-۳). این درست مطابق با رویه‌ای است که پادشاهان ایران بعد از اسلام بدان عمل می‌کرده‌اند، چنانچه در کتب تاریخی و از آن جمله تاریخ بیهقی مکرر به آن برمی‌خوریم (خطیبی، ۱۳۶۶: ۲۹۰). طبری نیز در تاریخ خلاصه‌ای از فتح‌نامه بهرام گور را نقل کرده و بلاغت آن را ستوده است. (طبری، ۱۳۶۴: ج ۲، ۶۲۳)

بیهقی در المحاسن و المساوی به فتح‌نامه‌ای که خسرو پرویز پس از شکست بهرام چوبین به اطراف فرستاد، اشاره کرد و مقدمه آن را نقل کرده است: «هنگامی که پرویز به سلطنت رسید و نبردهای او با بهرام چوبین پایان یافت؛ فرمود تا دبیران فتح‌نامه‌ای ترتیب دهند و خبر این پیروزی را به اطراف کشور اعلام دارند. دبیران بزرگ دیوان، هر

یک فتح‌نامه‌ای نوشتند و به پرویز عرضه داشتند هیچ‌یک را نپسندید؛ زیرا مقدمه‌ای که به آن ترتیب داده بودند به نظر او مناسب نبود. در این میان یکی از دبیران جوان برخواست و دستوری خواست تا مقدمه‌ای ترتیب دهد، اجازت یافت و چنین نوشت ...» (بیهقی، ۱۳۲۵: ج ۲، ۱۱۴-۱۱۳)

فردوسی هم در شاهنامه در چند مورد به فتح‌نامه اشاره کرده است و به شیوه معمول خود مختصری از آن را نقل کرده است. با توجه به این اشعار و مقایسه آنها با دیگر آثار و روایات به کیفیت انشاء و ارکان این قسم مکاتیب در ایران پیش از اسلام می‌توان پی برد و آن را با ادوار اسلامی مقایسه کرد.

چنان چون سزا بود از آن رزمگاه	نشستند نامه به کاوس شاه
ستایش هم او را، هم او رهنمای	سرنامه کرد آفرین خدای
سه جنگ گران کرده شد در سه شب	رسیدم از ایران به ریگ فرب
نبیند خردمند هرگز به خواب	شمار سواران افراسیاب
فرستادم این (شاهنامه ۳۳۸-۳۴۷: ۱۳۱۶)	بریده چو سیصد سر نامدار

فتح‌نامه‌ها در این دوره نخست با مقدمه‌ای متناسب با موضوع انشاء می‌شد، سپس به شرح نبرد و علل و کیفیت وقوع و محل آن. به همراه مبالغه و توصیف قوای خصم برای بزرگ جلوه‌دادن فتح می‌پیوست. درست به سبک نمونه‌هایی که در فتح‌نامه‌های بعد از اسلام بدان برمی‌خوریم؛^(۱۳) زیرا کلیه مختصات، بعد از اسلام به وسیله ایرانیان در مکاتیب عربی راه یافت و مورد تقلید و توجه کاتبان قرار گرفت، چنانچه تشکیلات دبیرخانه خلفا نیز تقلیدی کامل از تشکیلات دبیرخانه ساسانیان بود. (کریستنسن، ۱۳۷۸: ۴۷-۳۷)

اما در خصوص تأثیر میراث یونان بر ادبیات فتح‌نامه‌نویسی در جهان اسلام باید گفت که پس از فتوحات اعراب در شام و فلسطین و حرکت فرمانروایان و اعضای قبایل عرب به نواحی یونانی زبان، بنا بر ضرورت‌های سیاسی، اداری و تجاری ترجمه از زبان یونانی به عربی از دوره امویان (حک: ۴۱-۱۳۲ ق) آغاز شد و البته اغلب این ترجمه‌ها در مرحله نخستین براساس نیازهای نخبگان حاکم در دوران اموی بود (ولایتی، ۱۳۸۷: ۲۹). و سپس

ترجمه دانش‌های یونانی در تمدن اسلامی از دوره عباسی به بعد خصوصاً هارون الرشید (۱۹۳-۱۷۰ق) رایج شد،^(۱۳) اما به دشواری می‌توان در زمینه تاریخ و تاریخ‌نگاری و ادبیات سالنامه‌ای و یا فتح‌نامه‌نویسی و تأثیر ادبیات یونان بر ادبیات رایج در جهان اسلام در منابع و مأخذ مطلبی یافت که به دست مسلمانان رسیده باشد و از آن در نوشت فتح‌نامه الگو گرفته باشند؛ زیرا مورخان و نویسندگان عصر اسلامی از آن یاد نکرده‌اند.^(۱۴)

بنابراین، با توجه به مقدمات فوق در خصوص فتح‌نامه‌نویسی به نظر می‌رسد؛ تأثیر ادبیات عربستان پیش از اسلام در فتح‌نامه‌نویسی ادوار بعد به دلیل ارتباط بلافصل با دوره اسلامی بیش از دیگر جاها بود، اما پس از فتح ایران و نقش عمیق منشیان و دبیران و کاتبان ایرانی در شکل‌گیری و انسجام مکاتبات دیوانی، تأثیر ادبیات فارسی بر این‌گونه نامه‌ها مشهود است. (خطیبی، ۱۳۶۶: ۱۰۶-۱۰۴)

نگارش فتح‌نامه در ادوار اسلامی

الف - قرآن و فتح‌نامه‌نویسی

به نظر می‌رسد در بررسی موضوع فتح‌نامه‌نویسی، قرآن به‌عنوان کلام وحی جزو مهمترین منابعی است که در برخی از آیات به بررسی غزوات و دلایل فتوحات و پیروزی‌ها یا حتی شکست مسلمانان می‌پردازد و حقیقت آنها را از منظر الهی بررسی می‌کند. قرآن کریم به عنوان منشور جاوید رستگاری انسان، مملو از آیاتی است که خداوند متعال در آن دلایل پیروزی حق و نابودی باطل را برمی‌شمارد و پس از هجرت رسول اکرم (ص) به مدینه موضوع جهاد و غزوات بخش مهمی از آیات مدنی را به خود اختصاص می‌دهد که علاوه بر موارد فوق اهداف دشمنان اسلام و ماهیت آنها (کفار، منافقان و یهود) در قرآن بررسی می‌شود و پیروزی‌های رسول اکرم و مسلمانان از چندین وجه تبیین و تحلیل می‌شوند.

۱. آیات الهی گاه حاکی از بشارت فتح و پیروزی است مانند «انا فتحنا لک فتحاً مبیناً»^۱ که خداوند متعال در صلح حدیبیه بشارت فتح مکه را در آینده‌ای نزدیک می‌دهد و این صلح را مقدمه نشر اسلام به اقصی نقاط جهان می‌داند.

۲. و گاه پس از حصول فتح (موضوع مقاله) مانند فتح مکه، آیات الهی همانند «فتح

۱. فتح/۴-۱.

نامه‌ای» جامع و متین و در عین حال موجز و به دور از اغراق و حشو و زواید است که به تبیین وضعیت مسلمانان و تکلیف آنان در قبال موهبت الهی می‌پردازد؛ مانند: «إِذَا جَاءَ نَصْرَ اللَّهِ وَالْفَتْحَ وَ رَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَ اسْتَغْفِرْ، أَنَّهُ كَانَ تَوَابًا»^۱. اما هدف قرآن در بیان دلایل پیروزی همانند هدف غالب فاتحان و سرداران جنگ‌ها تنها طرح یک خطابه حماسی و نمایش قدرت نبوده بلکه قرآن در پی هدایت و کمال انسان‌ها، مبارزه با ظلم و فساد و اعتلای «کلمه الله» بوده است. سوره نصر به‌عنوان یک فتح‌نامه قرآنی شامل موارد ذیل است: ۱. اعلان نصرت و یاری خدا و فتح و ظفر، ۲. گرایش مردم به سوی دین خدا بر اثر این فتح، ۳. تأکید بر شکر و ثنای الهی، تسبیح و استغفار حق و توجه به غایت هستی که بندگی خداوند است. البته آیات فتح و ظفر در خصوص یک نبرد حتماً در یک سوره جمع نمی‌شوند؛ مثلاً در خصوص فتح مکه آیاتی در سوره سجده، قصص، فتح، نصر، توبه و ممتحنه نازل شده است پی‌درپی مطرح نشده است، اما خداوند متعال در هر حال به تحلیل و تبیین موضوع با تأکید بر جنبه‌های دینی، انسانی و معنوی می‌پردازد و رشته معنی را با جزالت و رعایت ادب و بلاغت پی می‌گیرد، ۳. گاه نیز فتح جغرافیایی و سیاسی صورت نمی‌گرفت، فقط مسلمانان در میدان نبرد پیروز می‌شدند، مثلاً جنگ بدر و احزاب مورد تحلیل و تبیین قرآن کریم قرار می‌گیرد: مثلاً در غزوه بدر محورهای اصلی از مقدمات جنگ، گرایش‌های مسلمین، تقدیر الهی و هدف‌های آن بررسی می‌گردد. خداوند متعال مرگ و شکست مشرکان را زاییده عدم اطاعت از خدا و رسول می‌داند و دلیل پیروزی مسلمانان را شور و عشق و ایمان قوی به خدا و رسول و یاری ملائکه الهی^(۱۵).

حتی در قرآن کریم در مقابل آیات فتح «شکست‌نامه» (هرچند که موضوع مقاله نیست) هم وجود دارد که به بررسی دقیق علل ناکامی مسلمانان در غزوه احد می‌پردازد و نکات ظریف و اساسی را مطرح می‌کند تا مسلمانان در ایمانشان به خدا و رسولش پایبند باشند و اطاعت کنند. قرآن در تحلیل شکست مسلمانان در جنگ احد آشکارا از منطق عمومی حاکم بر روابط پدیده‌ها سخن می‌گوید و می‌آموزد که لطف و یاری الهی همواره در طول باورها، رفتار منطبق با باورها، پایبندی به ارزش‌ها و حرکت هماهنگ با اصول حاکم بر پدیده‌ها

قرار دارد و آنگاه که انسان عمل خود را بر بنیاد عقیده استوار سازد، عنایت الهی را به دنبال می‌آورد و فرشتگان به یاری او می‌آیند و امکانات محدود در پرتو هماهنگی با اصول حاکم بر هستی در حد نهایی خود کارساز می‌شوند، اما وقتی میان عقیده و رفتار به جای هماهنگی و وحدت، تعارض و تضاد پدید آید، در متن این تعارض، ایمان ضعیف و شیطان حاکم می‌شود و دیگر عنایت خداوندی زمینه‌ای برای نزول پیدا نمی‌کند.^۱ (زرگری‌نژاد، ۱۳۸۱: ۴۰۶)

آنچه مسلم است اینکه آیات مربوط به فتوحات و پیروزی‌های مسلمانان در غزوات رسول اکرم(ص) در طول تاریخ اسلام مورد بهره برداری فاتحان مسلمان قرار گرفته است به طوری که بعدها متن فتح‌نامه‌ها (اعم از ترکی، فارسی، عربی) به آیات قرآنی مزین شده خصوصاً آیات جلالیه مانند: «و ما النصرُ الاّ من عندالله»^۲ «و ینصرک الله نصرّاً عزیزاً»^۳ «کم من فئّه قليلة غلبت فئّه کثیره باذن الله»^۴ و ...

ب - دوره خلفای راشدین

در بررسی سابقه فتح‌نامه‌نویسی در عصر رسول اکرم (ص) باید گفت: قدیمی‌ترین اثر از مکاتیب عربی که پس از اسلام در دسترس است، نامه‌هایی است که پیامبر اکرم (ص) به زعمای و سلاطین نوشته و آنان را به اطاعت و انقیاد و پذیرش کیش اسلام فراخوانده یا به نامه‌های آنان پاسخ داده است. مانند مکتوب پیامبر اکرم(ص) به قیصر روم، خسرو پرویز یا دیگر نامه‌هایی که قلقشندی در *صبح‌الاعشی* نقل کرده است (قلقشندی، ج ۶ ص ۳۷۷-۳۷۶). در حیات رسول اکرم (ص) غیر از نزول آیات مدنی در خصوص پیروزی مسلمانان در غزوات، نامه دیگری که از آن به عنوان فتح‌نامه مسلمانان که توسط کتاب یا دبیران یا فرماندهان جنگ نوشته‌شود، نمی‌توان یاد کرد. تنها اطلاعات موجود حاکی از آن است که نظم و نثر کم‌کم در این دوره ارزش تاریخی مهمی یافت و در خدمت دعوت اسلام قرار گرفت و اخبار انقلاب دینی و پی‌آمدهای آن اعم از مقاومت‌ها و فتوحات را منعکس نمود. مثلاً حسان بن ثابت به دفاع از اسلام برخاست و اشعار حسان درباهی فتح مکه اطلاعاتی

۱. به جهت اطلاع بیشتر نک: آل عمران/۱۷۱-۱۲۱.

۲. انفال/۱۰.

۳. فتح / ۳.

۴. بقره / ۲۴۹.

داده است. (الفاخوری، ۱۳۶۸: ۱۷۰-۱۶۹)

در واقع بنا به قول حناالفاخوری: «شعر در عصر رسول الله (ص) رنگ جریانات محیط را به خود گرفت و مبارزه با دشمنان دین و هجو آنان، مدح پیامبر اکرم و ستایش یاران او و مسلمانان شجاع و قهرمان و وصف سنگرها، دژها و آلات رزم و برج و بارو در ستایش جنگ و تحریض به جهاد و فخر به پیروزی‌های دینی و در رثاء کسانی که در غزوات پیامبر یا فتوحات اسلامی به شهادت می‌رسیدند» (همانجا). گزارش‌هایی نیز در دست است که رسول اکرم (ص) شاعرانی مخصوص خود داشت و از ۸ هجق به بعد به دفاع از دین برخاستند و پیامبر به عنوان دولتمردی آگاه از آنان در هجو دشمن بهره برد (آذرنوش، ۱۳۷۷: ۶۶؛ ضیف، ۱۳۶۴: ۴۳۷؛ هامیلتون، ۱۳۶۲: ۳۴). شاید این موارد بی‌ارتباط به موضوع فتح‌نامه‌نویسی در دوره اسلامی نباشد؛ زیرا همانند دوران قبل از اسلام نظم و نثر در موضوع مفاخره و حماسه ادامه یافت؛ اما هدفمند و معنادار شد و ارزش دینی به خود گرفت. بنابراین فتح‌نامه‌نویسی به‌صورتی که منظور نظر مقاله حاضر است در عصر رسول اکرم (ص) و به طور رسمی وجود نداشته است، بلکه شاید به‌طور غیرمستقیم غزوات رسول اکرم (ص) و آیات نازل شده در این خصوص و شعر عصر نبوی توانست بعدها الهام‌بخش فتح‌نامه‌نویسان اسلامی گردد.

اما از دوره خلفای راشدین و به خصوص دوران خلافت ابوبکر و عمر (حک: ۲۳-۱۰ هـ ق) که فتوحات اسلامی گسترش یافت و اسلام به فراسوی مرزهای جزیره‌العرب نفوذ کرد. فتح‌نامه‌نویسی نیز در شکل ابتدایی آغاز و کم‌کم شکل رسمی به خود گرفت و چون تقریباً سی سال پس از رحلت پیامبر فعالیت ادبی مکتوب و مدون چندان وجود نداشت. شکل ظاهری و سبک و سیاق فتح‌نامه‌ها با نثر پیش از اسلام (دوره جاهلی) و عصر رسول الله (ص) مشابهت‌های جدی و فراوانی داشت. زبان نوشتاری این نامه‌ها عربی بود که اکثراً در میدان رزم و توسط فرماندهان نوشته می‌شد و بلافاصله به خلیفه ارسال می‌گشت. (ابن اعثم کوفی، ۱۳۷۳: ۸۵)

در این دوره، فتح‌نامه‌ها با بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم شروع (ابن عبدربه، ۱۴۰۴ ق. ج ۳، ۴) و سپس مطلب با نام کاتب و نعت رسول اکرم (ص) و امیرالمؤمنین و کسی که نامه به سوی او نوشته می‌شد (مکتوب‌الیه) ادامه می‌یافت (قلقشندی، ج ۶، ۳۶۵). گاهی وقت‌ها رکن سلام با

عباراتی نظیر «السَّلام على مَنْ آمَن بالله و رَسولِهِ» و اگر فتح‌نامه خطاب به غیر مسلمان‌ها نوشته می‌شد با «السَّلام على مَنْ اتبع الهدی» آغاز می‌گردید و سپس تحمیدی بسیار کوتاه و مختصر نوشته می‌شد و گاه حتی آن را هم حذف می‌کردند و صدر مکتوب با اَمَّا بعد به رکن کلام می‌پیوست (همانجا). رکن اصلی مکتوب در نهایت ایجاز و اختصار نوشته می‌شد، در کمال سادگی و بی هیچ پیرایه لفظی و معنوی. تنها گزارش کوتاه و مستند از نبرد یا صلحی بود که به فتح و پیروزی منجر شده بود. در عین حال حاوی آگاهی‌های مهم و در خور توجه بود. در رکن اصلی فتح‌نامه‌ها گاه از آیات قرآن استفاده می‌شد (همان، ج ۶، ۳۷۸ و ۳۷۶). هیچ امتیازی بین کاتب و مکتوب احساس نمی‌شد. گزارش‌های مستندی نیز از وضعیت شهر و غنایم به‌دست آمده در آن مطرح می‌گردید. اغلب متن نامه‌ها از اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن عصر متأثر بود و اوضاع مذکور بنا به اهمیت در هر دوره‌ای محور نامه‌ها بوده است. در این فتح‌نامه‌ها که از سوی فاتحان به خلیفه وقت نوشته می‌شد، به قدرت‌نمایی و توانایی دشمن نیز اشاره می‌کردند، اَمَّا در بیان آن مبالغه و اغراق نمی‌نمودند.^(۱۶) در اینجا به‌عنوان نمونه به فتح‌نامه ابو عبیده به سوی عمر در فتح یرموک اشاره می‌شود: «بسم الله الرحمن الرحيم و صلواته على نبيه المجتبي و رسوله المصطفى من ابي عبیده عامر بن الجراح اما بعد فاني احمد الله الذي لا اله الا هو و اصلى على نبيه محمد نبى الرحمة و شفيع الامه و اعلمك انى نزلت اليرموك و نزل ماهان بالقرب منها ولم تر المسلمون اكثر من جمعهم ولا عدتهم ففض الله تلك الجموع و نصرنا عليهم بمنه و فضله و قتلنا منهم زهاء مائه الف و خمسه آلاف و اسرنا اربعين الفا و قتل من المسلمين اربعة آلاف ختم الله لهم بالشهادة و وجدت روءسا قد قطعت لم نعرف اصحابها فصليت عليهم و دفنتها و قتل ماهان على دمشق قتله عاصم اليربوعى و كان قبل وقعه نصب عليهم رجل يقال له ابوالجعيد من اهل حمص فالقاهم فى موضع من اليرموك يقال له الناقوصه فهزم منهم ما لا يحصى عددهم و اما من قتل منهم فى الادويه و الجبال من المنهزمين و غيرهم فحصرت عدتهم تسعون الفا و قد ملكنا الله اموالهم و حصونهم و بلادهم و كتابى هذا اليك من دمشق بعد الفتح و قد جمعت الغنائم. والسلام عليك وجميع المسلمين.»^(۱۷)

در تاریخ ابن خلدون نیز آمده است: «فتح اردن به پایان آمد و همه سرداران از اکناف

فتح‌نامه‌نویسی (در ایران و اسلام) ۱۹۳

بلاد جمع شدند و فتح‌نامه به عمر نوشتند» (ابن خلدون، ۱۳۶۶: ج ۲، ۵۰۲). یا در فتح قادسیه سعد بن ابی وقاص فتح‌نامه به عمر نوشت و او را از شمار مقتولان و مجروحان سپاه پارسی و مسلمانان آگاه کرد (همان، ج ۱، ۵۲۰). و همراه سعدبن عملیه فزاری فرستاد یا در فتح مداین و جلولا، قعقاع نامه به عمر نوشت و پیروزی خود را بیان کرد و اجازه خواست از پی دشمن بتازد. (همان، ج ۱، ۵۲۴)

در دوره مذکور هنگامی که فتح‌نامه‌ای به دست خلفا و حکام می‌رسید شادی می‌کردند و آواز تکبیر و ثناء سر می‌دادند و مراسم شکر و دعا صورت می‌گرفت (ابن اعثم کوفی، ۱۳۷۳: ۷۵ و ۸۵ و ۱۱۹ و ۱۸۵). طبری می‌نویسد: «وقتی خبر فتح به عمر می‌رسید در میان مسلمانان میایستاد و نامه فتح را می‌خواند» (طبری، ۱۳۶۴: ج ۵، ۱۷۵۹). علاوه بر فتح‌نامه در این دوره نماز فتح نیز گزارش شده است (همان، ج ۵، ۱۸۱۸). و پس از دریافت نامه برای آن ملطفه یا جوابیه توسط خلیفه نوشته می‌شد و توصیه‌هایی به فاتحان نبرد صورت می‌گرفت. در فتوح چنین آمده است: «چون این فتح‌نامه به امیرالمؤمنین صدیق (رضی) رسید به غایت خوشدل گشت و آثار فرح و سرور بر غرّه مبارک او ظاهر شد. پس امیرالمؤمنین در جواب خالد بن ولید ملطفه‌ای لطیف بنوشت و خالد را بدانچه کرده بود مَحْمَدتھا گفت ...». (ابن اعثم کوفی، ۱۳۷۳: ۷۴-۷۵)

ج - عصر اموی و عباسی

در عصر اموی این سیر از نگارش فتح‌نامه حداقل تا پایان دوران ولید بن عبدالملک (۹۶- ۸۸ هـ) دنبال شد^(۱۸) و فتح‌نامه‌ها معمولاً در نهایت ایجاز، رعایت سجع و عدم تفنن لفظی در کلام به عربی نوشته شد، براساس قراین و شواهد موجود از عصر اموی فتح‌نامه‌های موجود در آن دوره معمولاً خالی از هرگونه تحمید و مقدمه بوده است و تنها خبر فتح و پیروزی و نابودی دشمن اعلام می‌شده است و از نعمت و احسان خداوند سپاسگزاری می‌کردند و از غنایم به‌دست آمده گزارش می‌دادند و نامه را با دعا برای سلامتی امیر به پایان می‌رساندند. مانند فتح‌نامه مهلب بن ابی صفره به حجاج بن یوسف در پیروزی بر ازارقه یا فتح‌نامه یزید بن مهلب به حجاج که یحیی بن یعمر عدوانی نوشت و بلاغت و محتوای قوی آن

مورد تحسین حجاج واقع شد: «اما بعد با دشمن مقابل شدیم. خدای آنان را مغلوب ما کرد گروهی از آنها را کشتیم، گروهی را اسیر گرفتیم و گروهی به قله کوه‌ها و عمق دره‌ها و کنار شیب‌ها و دل رودها پیوستند»^(۱۹) (طبری، ۱۳۶۴: ج ۸، ۳۷۴۴). یا در فتوحات طبرستان و گرگان نیز یزید بن مهلب به سلیمان بن عبدالملک، فتح‌نامه جرجان را کوتاه و به این مضمون نوشت: «خدای برای امیرمؤمنان فتحی بزرگ پیش آورد و با مسلمانان کاری نکو کرد». (ابن خلدون، ۱۳۶۶: ج ۲، ۱۲۰)

به‌نظر می‌رسد در عصر اموی مخاطب فتح‌نامه‌ها اغلب خلفای اموی بودند و فاتحان، فتح‌نامه‌های خود را به دارالخلافه ارسال می‌نمودند. هرچند به علت آشفتگی اوضاع پس از شهادت امام حسین (ع)، مخالفان حکومت اموی نیز مانند مختار ثقفی که در پی انتقام از قاتلان حسین (ع) بودند به فتح‌نامه‌نویسی مبادرت نمودند، وی هنگامی که سر عمر بن سعد را توسط یزید بن شراحیل انصاری نزد محمد بن حنفیه فرستاد، نامه پیروزی و چیرگی خود بر امویان قاطعانه اما به اختصار نوشت.^(۲۰) در تاریخ دوران اموی حتی مواردی را می‌توان یافت که فاتحان میدان رزم چنان در ابلاغ خبر فتح شتاب می‌کردند که آن را بر پشت اسب می‌نوشتند مانند نامه عمر بن عبیدالله بن معمر به مصعب بن زبیر در باره پیروزی بر خوارج که ابومخنف آن را درحالی که به پشت اسب بود، نگاشت. (همان، ج ۸، ۳۴۲۵ و ج ۹، ۳۹۴۱)

پس از گذر از عصر تحوّل در نثر نویسی در اوایل قرن دوم که با عبدالحمید کاتب آغاز شد و سبک نویسندگان ایرانی در دواوین خلفا تأثیر نهاد و اسلوب ترسّلات عربی را تهذیب و تکمیل نمود و اسالیب کهن پارسی در شیوه ترسّلات تأثیر عمیق نهاد (خطیبی، ۱۳۶۶: ۱۰۵). در فتح‌نامه‌نویسی نیز شاهد این تحوّل عمیق هستیم از جمله آنکه به تدریج شیوه ایجاز‌نویسی به اطناب تبدیل شد و تحمیدات در آغاز ترسّلات به کار رفت و مقدمات متناسب با موضع در اوّل مکتوب قرار گرفت و فتح‌نامه‌ها به ارکان مختلف تقسیم شدند و نعوت و عناوین در آغاز و پایان آنها به کار رفت و تناسب مقام و مقال همراه با دقایق فنی دیگر در آنها مراعات گردید و کم‌کم به کمال رسید. (همان، ۳۸۱ و ۳۸۰)

در منابع و مأخذ مربوط به عصر عباسی مکرراً به ارسال فتح‌نامه‌ها توسط فرماندهان و امرا به اطراف و اکناف عالم اسلام اشاره شده است، اما اغلب، متن این فتح‌نامه‌ها موجود

نیست. البته براساس آنچه نگارنده از متن فتح‌نامه‌های موجود به‌دست آورد، به نظر می‌رسد حتی با توجه به تفصیل مکاتیب گاه به فراخور حال شاهد نگارش فتح‌نامه‌ای موجز و بدون رعایت مقدمات نیز هستیم و این وضعیت تقریباً تا دوران مکتفی (حک: ۲۵۹-۲۸۹ هـ) ادامه داشته است. هرچند که در این دوران فتح‌نامه‌ها با رعایت مقدماتی نوشته می‌شدند، و طولانی بودند اما اغلب ساده، قابل فهم و به دور از حاشیه‌پردازی بوده‌اند و همانند دوره قبل به‌عنوان گزارشی مستند محسوب می‌شدند. به‌طوری که امروزه با مطالعه آنها می‌توان اطلاعات عمیقی دربارهٔ اوضاع سیاسی، اجتماعی و نظامی آن دوران، دریافت نمود. در تایید این سخن می‌توان به دو نوع فتح‌نامه (فتح‌نامه‌ای موجز و مفصل) در اوایل عصر عباسی که توسط طاهر بن حسین (از امرای طاهریان) به مأمون نوشته شد، اشاره کرد. مثلاً هنگامی که علی بن عیسی بن ماهان را در سال ۱۹۵ هـ شکست داد به مأمون نوشت: «کتابی الی امیرالمؤمنین رأس علی بن ماهان بین یدیه و خاتمهُ فی یدی و عسکرهُ متصرفٌ تحت امری و السلام» (طبری، ۱۳۶۴: ج ۱۲، ۵۴۳۷؛ ابن خلدون، ۱۳۶۶: ج ۲، ۳۶۴؛ خطیبی، ۱۳۶۶: ۱۰۴). و در فتح بغداد و شکست امین عباسی (حک: ۱۹۸-۱۹۳) در سال ۱۹۸ هـ نیز فتح‌نامه‌ای مفصل به مأمون نوشت و در آن دربارهٔ شهر بغداد، گفت‌وگو با هرثمه، چپش سپاه، نحوهٔ دفاع، چگونگی تسلیم‌شدن امین، نام فرماندهان و معرفی جهت‌های جغرافیایی شهر، نحوهٔ ایجاد امنیت و استقرار نیروها و اطاعت مردم، اطلاعات مهم تاریخی به‌دست داد.^(۳۱) البته گزارش‌هایی نیز در دست است که نشان می‌دهد فتح‌نامه‌ها در دوران مأمون عباسی و شاید قبل از آن سرشار از عبارات و استعارات بوده است.^(۳۲)

به نظر می‌رسد به مرور زمان کم‌کم فتح‌نامه‌ها ارکان ثابت و متغیر را بر خود پذیرفتند، ثابت از آن نظر که از این به بعد تمام آنها تقریباً دارای تحمید خدا، ستایش و تواضع در برابر عظمت حق، درود و ثنای بر پیامبر اکرم (ص) و خلیفه، بیان علت نبرد، تعریف سپاهیان، ذکر مسائل میدان کارزار، معرفی اماکن جغرافیایی ... ذکر آیات قرآن، ذکر نام فرماندهان و ... اما ارکان متغیر به نویسنده و شرایط زمان و مکان بستگی داشت، هرچند گاه تمام ارکان ثابت می‌توانستند با توجه به اوضاع، متغیر هم باشند.

بنا به گزارش‌های تاریخی در عصر عباسی، فتح‌نامه‌ها را در مجامع عمومی و به خصوص

مساجد جامع که محل عبادت و رجوع مردم بود و علی‌الخصوص در روز جمعه که ازدحام مردم بیشتر بود، قرائت می‌کردند.^(۳۳)

به تدریج از قرن چهارم قمری تا نیمه دوم قرن پنجم به بعد فتح‌نامه‌نویسی راه اغراق و مبالغه پیمود، مبالغه در بزرگ‌نمایی قدرت دشمن، اطاعت محض در برابر خلیفه، تصویرپردازی میدان رزم و کاربرد سجع و تشبیه. البته در این دوره تکلفات لفظی در فتح‌نامه‌ها راه نیافت و در انتخاب و استعمال لفظ، عناوین و ادعیه از حد معینی فراتر نرفت (خطیبی، ۱۳۶۶: ۱۱۵). از جمله می‌توان به فتح‌نامه‌ای که مربوط به دوره بویه‌یان (حک: ۴۴۷-۳۲۲) است و ابواسحاق صابی از جانب عزالدوله بن بویه به المطیعلله نوشت و فتح موصل و فرار ابی تغلب بن حمدان را گزارش داد، اشاره نمود (تاریخ نگارش ربیع‌الاول ۳۶۳ هـ). (قلقشندی، ج ۶، ۴۹۲-۴۸۲)

غزنویان (حک: ۴۹۲-۳۸۸) به‌عنوان سلسله‌ای ترک با خاستگاه غلامی که به هنگام انقراض یا ادغام و زوال سلسله‌های قدیمی‌تر منطقه نظیر سامانیان، خوارزمشاهیان فریغونی و زیاریان و بویه‌یان خود را در مرزهای شرقی ایران مستقر ساختند و با رهبری پویای سبکتگین و پسرش محمود، این مزدوران ترک، پادشاهان سرزمین‌هایی گشتند که هنگام مرگ محمود به سال ۴۲۱ هـ ق وسیع‌ترین امپراتوری شرق عالم اسلام بعد از تجزیه خلافت عباسی بوده است (باسورث، ۱۳۷۸: ۲؛ Bosworth, Fath-nama, Encycopedia Iranica, vlume IX, 422). در دوران محمود غزنوی که سرشار از فتوحات و جنگ و گریز بوده است، فتح‌نامه‌نویسی نیز بسیار رواج داشت، البته آن‌گونه که دیگر سبک بی‌پیرایه و ساده فتح‌نامه‌نویسی جای خود را به سبکی پر زرق و برق و انشاگونه داد، اما هنوز سادگی و روانی خود را حفظ کرد و قابل فهم بود. به‌عنوان نمونه در فتح‌نامه صادره از طرف سلطان محمود (۴۲۱-۱۰۳۰/۳۸۸-۹۹۸ م) که به تاریخ اول جمادی‌الثانی سال ۴۲۱ هـ به مناسبت فتح شهر ری از چنگ آل بویه خطاب به القادر، خلیفه عباسی نوشته و در اردوگاه نظامی محمود تنظیم شده است، سلطان سرنگونی مجدالدوله و کشتار بی‌رحمانه مردمان آن سرزمین به دست سپاهیان را بیان می‌کند. محمود در این فتح‌نامه بر خود می‌بالد که به دست او ایزد تعالی دست ظلم را از این بلاد کوتاه کرد و این سرزمین را از فعالیت باطنیه و بدعت‌گذاران بدکردار پاک ساخت سپس به شرح مفصل اعمال غیرشرعی مجدالدوله و استیلای روافض بر قلمرو

فتح‌نامه‌نویسی (در ایران و اسلام) ۱۹۷

او می‌پردازد. در خاتمه نیز بر خود مباحثات می‌کند که این ناحیه را از داعیان اسماعیلی و معتزلیان و رهبران غلات شیعه خالی و کمک کرده است تا مقصود سنت به پیروزی رسد: «این بنده ساعیانه عازم شد تا آنچه ایزد تعالی از قدرت به او داده است در جهت پیروزی آن خاندان غالب [خلافت عباسی] به کار گیرد» و همه این مسائل او را به‌عنوان سنی متعصب معرفی می‌کند.^(۳۴) محمود دقت داشت در فتح‌نامه‌ها خود را «مجاهد» بنامد. (باسورت، ۱۳۷۸: ج ۱، ۵۲)

در دوره حکومت مسعود غزنوی نیز سنت فتح‌نامه‌نویسی همچنان ادامه داشت در تاریخ بیهقی آمده است: «امیر مسعود رضی‌الله عنه روز دوشنبه ۱۲ جمادی‌الاولی [سال ۴۲۶ هـ.ق] به آمل باز رسید و در ضمان سلامت و ظفر و نصرت جای دیگر بایستاد و فرمود تا سرای پرده و خیمه بزرگ آنجا بزدند و به سعادت فرود آمد. و صاحب دیوان رسالت بونصر را گفت نامه‌های فتح ما را باید فرستاد به مملکت بر دست مبشران ... و امیر نشاط شراب کرد و دست به کار بردند و ندیمان و مطربان حاضر آمدند». (بیهقی، ۱۳۶۷: ۵۹۷)

در عهد غزنوی فتح‌نامه‌ها در دیوان رسایل تنظیم می‌شد و شیخ ابوالفتح بستی یکی از افرادی بود که: «نسخت فتح‌نامه‌ها از انشاء او شایع و مستفیض بوده است».^(۳۵) ابونصر مشکان نیز یکی از فتح‌نامه‌نویسان دوران غزنوی بوده است. (همان، ۵۹۳، ۷۶۴)

نکته مهم اینکه، پس از انقراض بویه‌یان و به‌قدرت‌رسیدن غزنویان و تشدید فعالیت اسماعیلیان و آغاز بحث‌های کلامی در جهان اسلام به‌تدریج راه برای بیان دیدگاه‌های سنی و شیعه و برخورد دو مذهب در فتح‌نامه‌ها نیز باز شد و اوضاع مذهبی آن عصر را به نمایش گذاشت.

پس از نبرد دندانقان در سال ۴۳۱ هـ / ۱۰۴۰ فرماندهان پیروز سلجوقی نیز با استفاده از نوشت‌افزارهایی که از لشکر شکست‌خورده غزنوی به غنیمت گرفته بودند، اعلامیه پیروزی خود را فرستادند و شخصی موسوم به ابواسحاق الفقاعی (احتمالاً یک منشی ایرانی بود که هم‌زمان به استخدام سلسله سلجوقی درآمده بود) آن را به بغداد برد، به نظر سلجوقیان تشکیلاتی، که به دیوان رسایل شباهت داشته باشد، نداشتند؛ زیرا در این مورد از نوشت‌افزارهای باقی‌مانده از دویت‌خانه غزنویان که در میدان جنگ رها ساخته بودند،

استفاده کردند. (باسورث، ۱۳۷۸: ج ۱، ۲۷۱؛ نیشابوری، ۱۸؛ راوندی، ۱۳۶۴: ۱۰۴)

با گسترش فتوحات، فتح‌نامه‌نویسی هم رشد کرد، در نیمه دوم قرن پنجم تا پایان قرن هفتم عبارت‌پردازی و مضمون‌سازی به خصوص استعمال شواذ لغات عربی و فارسی در فتح‌نامه‌ها به غایت رسید به‌صورتی که فهم و درک بسیاری از متون نثری حتی در موضوعات تاریخی جز با رجوع به کتب لغت امکان‌پذیر نبود، همواره این روش در فتح‌نامه‌ها رعایت نمی‌شد به خصوص در آغاز دولت سلجوقیان مثلاً «فتح‌نامه آلب ارسلان» (۴۵۵ هـ) که یکی از فتح‌نامه‌های مهم دوره سلجوقی است و احتمالاً به نگارش خواجه نظام‌الملک طوسی بوده است. سلطان آلب ارسلان هنگامی که به عزم کشورگشایی متوجه ماوراءالنهر شد و از آب جیحون گذشت و به طرف بخارا لشکر کشید. قلعه و حصار برزم را که از قلاع مستحکم بود، مسخر کرد و جمع کثیری را در جنگ کشت و جمع کثیری اسیر شدند. وی این فتح‌نامه را به اطراف و اکناف عالم فرستاد (در سال ۴۵۸ هـ).^(۲۶) به‌طوری‌که در قسمت‌های پایانی آن چنین می‌نویسد: «مژده این فتح عظیم به دور و نزدیک، ترک و تازیک و رعایا و براباء خوارزم و نواحی آن کی دعاگویان دولت و بندگان خاص حضرت مانند برساند...» (نخجوانی، ۱۳۴۷: ۳۷۵). نکته بارز این فتح‌نامه تأکید بر قدرت، هیبت، سیاست دولت سلجوقی، ایجاد رعب و وحشت در دل مخالفان، بیان مواعظ برای زبردستان، کاربرد آیات قرآن و حتی شرح تلاش سلطان برای جلوگیری از جنگ و خونریزی است.

فتح‌نامه‌نویسی در دوران خوارزمشاهیان (۴۷۰ تا ۶۲۸ هـ) سبکی متکلف و مصنوع داشت و معانی زیر توده‌ای از الفاظ دشوار نه تنها صراحت و روشنی خود را از دست می‌دادند بلکه، پیوستگی، تسلسل و توالی، که از لوازم اصلی در بیان معانی است، نداشتند. در واقع اگر نمی‌شد از متن فتح‌نامه‌ها پاره‌ای اطلاعات تاریخی یا اشاراتی مربوط به اوضاع سیاسی، اجتماعی آن عصر استنباط کرد نمونه کاملی از «مهم‌نویسی و فساد انشاء» بود و تنها به کمک سجع و موازنه و جناس و مراعات نظیر حداقل معنی در حداکثر عبارت گنجانده می‌شد چه بسا غرض و فایده منظور از انشای نامه هم از بین می‌رفت (زرین‌کوب، ۱۳۷۵: ۱۳۳، ۱۳۲). در این دوره دو فتح‌نامه مهم وجود دارد؛ یکی «فتح‌نامه بخارا» که به جانب محمد خوارزمشاه فرستاده شد^(۲۷) و دیگر «فتح‌نامه اخلاط» به انشای نورالدین منشی^(۲۸) که به جلال‌الدین

خوارزمشاه ارسال گردید.

در ادامه توضیح ویژگی‌های فتح‌نامه‌نویسی باید گفت گاهی وقت‌ها فتح‌نامه‌ها درباره آزادسازی سرزمین‌ها از دست کفار بوده است. در این نوع فتح‌نامه‌ها معمولاً سخن به تفصیل بیان می‌شد، چرا که نگارنده قصد داشت برتری اسلام نسبت به ادیان دیگر و نقاط قوت جهان اسلام را برجسته نماید و نعمت اسلام و قدرت نظامی مسلمانان را توضیح دهد و به علاقه مسلمانان در گسترش اسلام تأکید کند و سیره و سنت رسول اکرم (ص) را در جهاد با کفار معرفی کند. این فتح‌نامه‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بودند و با جلال و شکوه خاصی نوشته می‌شدند و دل همه مسلمانان را شاد می‌کردند. یک نمونه از این فتح‌نامه‌ها که چنین خصوصیتی داشت مربوط به عصر ایوبیان (حک: ۶۴۸-۵۶۷) است که صلاح‌الدین ایوبی (م ۵۲۲ هـ) پس از فتح قدس و نجات بیت‌المقدس از دست کفار در آخر شعبان سال ۵۸۳ هـ «فتح‌نامه قدس» به انشای قاضی الفاضل^(۳۹) به دیوان العزیز در ایام خلافت الناصرالدین الله فرستاد: «و صدق وعد الله فی اظهار دینه علی کل دین»^(۴۰).

د - فتح‌نامه‌نویسی در عصر ایلخانی

در جست‌وجوی ادبیات فتح‌نامه‌نویسی در عصر ایلخانی باید گفت از قرن هفتم به بعد با وسعت مجالی که از حیث انتخاب و استعمال الفاظ و تعبیرات فراهم بود، نثرنویسی از نظر تکلف به غایت رسید و لغت‌پردازی و عبارت‌سازی حتی در پاره‌ای از موارد دور از فهم در نثر فارسی رواجی تمام یافت و از روش طبیعی خود در بیان معانی دور و منحرف شد؛ حتی نثرهای تاریخی را، که به طور طبیعی در آن، رشته معنی باید با صراحت بیان می‌شد، را شامل گردید و تاریخ‌نویسان این شیوه را در بیان معانی به کار بردند (خطیبی، ۱۳۶۶: ۳۱۲). هرچند در فتح‌نامه‌نویسی دانش و مهارت منشی مهم بود، سبک و الگوی رایج زمان نیز که در بالا به آن اشاره شد در نگارش فتح‌نامه‌های این دوره کمابیش مؤثر بوده خصوصاً که زبان رایج فتح‌نامه‌نویسی فارسی بوده است.

در عصر ایلخانی که دوره آشوب، هرج و مرج و ناآرامی بود، فتح‌نامه‌نویسی نیز رواجی تمام داشت از جمله فتح‌نامه‌های مشهور که در این دوره در میان سران ممالک و فاتحان

و خلفا رد و بدل شده است: «فتحنامه تونکقال» (به فارسی)، (نخجوانی، ۱۹۶۴: ج ۲، ۲۶۰-۲۵۵)، «فتحنامه بغداد» به انشای خواجه نصیرالدین طوسی (به عربی) که حاوی نکات بدیع و بسیار ارزشمند و شاهکار ادبی عصر خود شمرده می‌شده است^(۳۱) و «فتحنامه الموت» به انشای عطاملک جوینی (به فارسی) که بسیار طولانی و حاوی جزییات زیادی در خصوص فتح قلعه الموت است.^(۳۲)

نکته حایز اهمیت در خصوص فتحنامه نویسی دوره مذکور آن است که فاتحان طبقات اجتماعی را یکی پس از دیگری مورد خطاب قرار می‌دادند و راجع به امور مردم توصیه می‌نمودند و چپش این طبقات به ترتیب الویت، اهمیت آنها را از دیدگاه ایلخانان مغول می‌رساند؛ مانند: «ملوک، حکام، سادات و مشایخ و قضات و ائمه و موالی و صدور و اکابر و اعیان و معارف و ارباب و مشاهیر و عموم اهالی و جمهور متوطنان ولایات ممالک محروسه عموماً و دارالملک تبریز و سایر مدن آذربایجان را خصوصاً». (نخجوانی، ۱۹۶۴: ج ۲، ۲۶۰-۲۵۹)

یکی از فتحنامه‌های مهم و قابل ذکر در دوران ایلخانی «فتحنامه تونکقال» است و تا جایی که نگارنده در منابع جست‌وجو کرد، درباره اینکه چه کسی فتحنامه مذکور را به نگارش درآورده، مطلبی نیافت. هندو شاه نخجوانی هنگامی که در باب «احسان و رعایت» سخن می‌گوید فتحنامه تونکقال را به‌عنوان مثال مطرح می‌کند و خوشبختانه متن کامل آن را نیز می‌آورد. وی می‌نویسد: «فتحنامه تونکقال که به جمیع ممالک فرستند» (همانجا) متن این فتحنامه که پس از انقیاد ایلخانان در برابر اسلام نوشته شده حاکی از آن است که مغول اراده الهی را همواره حامی خود می‌دانست و دیدگاه تقدیرگرایی مغول در آن به‌وضوح روشن است. شکرگذاری در مقابل خداوند به‌دلیل نعمت فتح، استناد به آیات الهی از دیگر ویژگی‌های آن است. این فتحنامه به فارسی است؛ اما از اشعار عربی نیز در آن استفاده شده است هرچند متن فتحنامه مفهوم است، کلماتی در آن وجود دارد که نامفهوم و ترجمه‌ناپذیر است. در پایان نیز به‌طور مفصل در خصوص احسان، اعانت به مظلوم و رعایت شرع و عدل و کسب رضای اهل مملکت، تعظیم سادات، انجام امور دینی و دنیوی و دیوانی سفارش شده است که با توجه به ویرانی، کشتار و خوی خصمانه مغولان امری عجیب است!

همچنین در این دوره به علت خطر حمله ایلخانان مغول که دائماً سرتاسر جهان اسلام را تهدید می‌کرد، گاه شاهد انتشار فتح‌نامه‌های دروغین هستیم که از سوی امرای مسلمان نوشته می‌شد. شاید علت آن تعجیل در اعلام نتیجه جنگ به نفع مسلمانان و عدم تحقیق از جریان آن بوده است یا اینکه بدین گونه می‌خواستند روحیه مردم مسلمان را تقویت و قوای مغول را تضعیف کنند. بر این سیاق «فتح‌نامه پسر خطیر» را، که به آق‌سرا فرستاده شد، می‌توان نام برد. این فتح‌نامه از نوع فتح‌نامه‌های غلبه بر کفار بوده است که در آن از عظمت اسلام و مسلمین سخن به میان آمده است افرادی چون معین‌الدین پروانه و صاحب معتر را که در سازش با ایلخانان مغول بودند مورد خطاب قرار داده و خائن محسوب کرده است.^(۳۳) به نظر می‌رسد پس از عصر ایلخانان مغول، فتح‌نامه‌نویسی به‌عنوان یک فرهنگ میان سلاطین زمان و در مکاتبات رسمی، رایج شد؛ زیرا تاریخ این دوره از کشور ایران به علت بروز حوادث و انقلاب‌های مکرر از ادوار دیگر آشفته‌تر بود و سلاطین ترکمان آق‌قویونلو و قرا‌قویونلو در کشمکش مداوم بودند.^(۳۴) همچنین در سال‌های بین ۸۰۷ تا ۹۰۷ هـ در مغرب ایران دولت عظیم عثمانی روز به روز ریشه‌دارتر و نیرومندتر می‌شد.^(۳۵) بنابراین تاریخ آن دوره شاهد حرکت‌های نظامی متعددی است، تاکنون مجموعه‌ای وجود ندارد که در آن اسناد و فتح‌نامه‌های مربوط به جنگ‌های دوره مذکور به‌صورت تحقیقی و انتقادی و با دید تاریخی جمع‌آوری گردد. در واقع حفظ اسناد رسمی، بایگانی صحیح و مستند فتح‌نامه‌ها ظاهراً بر اثر انقلاب‌ها و حوادث پیاپی که بر مردم گذشت، میسر نشد هرچند مجموعه‌هایی از این اسناد و مکاتبات موجود است، در تهیه این مجموعه‌ها بنا به قول عبدالحسین نوایی: «بیشتر نظر به انشاء و طرز نامه‌نگاری بوده یا جمع‌آوری منشآت فردی که قدرت قلم و دقت فکر و حدت ذهن و حسن تحریر او مورد اعجاب معاصرین و اخلاف قرار گرفته است و به عبارت دیگر نظر به ترسل بوده است نه جمع اسناد تاریخی کما اینکه در این مجموعه‌ها نامه‌های دوستانه (اخوانیات) با نامه‌های رسمی و فرامین (سلطانیات) اغلب در هم آمیخته است و حتی در مجموعه‌هایی که در قرون بعد به‌خصوص در دوره صفویه فراهم آمده هرچند نامه‌های مختلف از منشیان ادوار مختلف نقل گردیده نه نظم تاریخ در آن نقل شده و نه توضیحی درباره نامه‌ها داده شده است».^(۳۶) به نظر می‌رسد در خصوص فتح‌نامه‌نویسی در

عصر ترکمانان منشآت حیدر ایواوغلی ارزنده تر است؛^(۳۷) زیرا اگرچه جامع نیست، نامه‌ها را لااقل با نظمی فی‌الجمله منطقی و بر اساس زمان تحریر، پشت سرهم آورده و حداقل ۷ فتح‌نامه در آن موجود است. منشآت فریدون بیگ نیز یکی از مآخذ مهم در فتح‌نامه‌نویسی پس از دوره ایلخانی است و سپس منشآت خواجه شهاب‌الدین عبدالله مروارید قابل توجه است.

به‌طور کلی در عصر تیموریان و ترکمانان با سیاهه‌ای از فتح‌نامه‌ها روبه‌رو هستیم. این سنت همچنان با الگوگیری از دوره ایلخانان مغول ادامه یافت. از جمله اسناد و فتح‌نامه‌های مهم این دوران «فتح‌نامه اصفهان» است که در بیاض تاج‌الدین احمد وزیر (د ۷۸۲) موجود است این فتح‌نامه مربوط به کشمکش و جنگ و محاربه میان دو برادر؛ یعنی شاه شجاع و شاه محمود (آل مظفر)^(۳۸) در ۷۶۸ هـ برسر حکومت اصفهان است که عاقبت اصفهان به‌دست شاه شجاع فتح شد و فتح‌نامه به دست منشی‌الممالک^(۳۹) تنظیم گردید. متن این فتح‌نامه به خط خود منشی‌الممالک در بیاض مسطور است و با شیوه رسم‌الخط فارسی امروز بازنویسی شده و سپس اصل دست‌نوشته به صورت عکسی ارائه گردیده است^(۴۰)، متن فتح‌نامه به فارسی است، اما دارای تفنن لفظی و حتی گاه الفاظ لاینحل و غیرخوانا است و ارکان آن مانند دیگر فتح‌نامه است^(۴۱) و از آیات قرآن در آن آمده است مانند «و ما یعلم جنود ربک الا هو». همچنین از جمله فتح‌نامه‌های مهم این دوره «منشور فتح دهلی» است که در سال ۸۰۱ هـ به انشای خواجه احمد سمنانی از سوی تیمور به امیرزاده پیر محمد در شیراز فرستاده شد و نام اسفهسالاران هندوستان... و توصیه‌هایی برای فرزندان در خصوص عفو و گذشت، سخنانی از علی بن ابی طالب (ع)، آیات قرآن و جزییات نبرد در آن موجود است (نوابی، ۱۳۷۰: ۱۹۱-۱۸۹).^(۴۲) «فتح‌نامه آذربایجان» نیز که به انشای خواجه شرف‌الدین

و المله جلال‌الدین خسرو نوشته شده از معروف‌ترین و مهمترین این فتح‌نامه‌هاست،^(۴۳) نام صوفیان بزرگ آن دوره مانند محمد صوفی ترخان و محمد درویش، سادات و قضات متنفذ آن دوره در این فتح‌نامه ذکر شده است. موضوع مهمی که در فتح‌نامه‌های این دوره به

فتح‌نامه‌نویسی (در ایران و اسلام) ۲۰۳

خصوص عصر تیموری خود را نشان می‌دهد کاربرد اشعار فارسی و تأثیر و گسترش فرهنگ و ادب پارسی در متن نامه‌ها و به خصوص فتح‌نامه‌هاست.^(۴۴)

همچنین دو یا سه نمونه فتح‌نامه که از دوران ترکمانان به خصوص اوزون حسن باقی مانده است^(۴۵) حاوی اطلاعات ارزشمند تاریخی در خصوص اماکن جغرافیایی آذربایجان و جزییات نبرد، طبقات اجتماعی، نام فرماندهان، ارتباط خوب اوزون حسن با دستگاه عثمانی، شرکت درویشان و صوفیان در جنگ‌های اوزون حسن، مخاطبان ... و دیدگاه اجتماعی آن دوره است. نکته جالب توجه اینکه متن این فتح‌نامه‌ها آسان و مفهوم است (درحالی که اغلب در دوره قبل به خصوص قبل از ایلخانان مغول این‌گونه نبوده است).

با نیم‌نگاهی به عصر صفوی و عثمانی می‌توان دریافت که به علت کشمکش‌های مداوم میان قدرت‌های حاکم فتح‌نامه‌های فراوانی میان سلاطین رد و بدل شده است که می‌توان در کتب منشآت مربوط به آن دوره نمونه‌هایی از آن را یافت.^(۴۶) یکی از فتح‌نامه‌های مهم در دوره صفوی فتح‌نامه‌ای است که پس از استیصال دارا شکوه نوشته شده و به «فتح قلعه قندهار» معروف است که به قلم محمد طاهر وحید قزوینی نوشته شده است. تاریخ این لشگرکشی در دوم جمادی‌الثانی ۱۰۶۳ است. سپاه هند حدود ۷۱ روز قندهار را محاصره کرد، اما پس شنیدن حرکت شاه عباس ثانی، محاصره را رها کردند و به کشور خویش گریختند. در متن این فتح‌نامه کلمات دشوار و نامفهوم به کار رفته است (وحید قزوینی، ۱۳۲۹: ۱۵۱-۱۵۲) که از خصوصیات نثرنویسی در عصر صفوی است. در منشآت میبیدی‌نامه‌ای با عنوان کلی «فتح‌نامه‌های سلاطین مملکت که خود نوشته‌اند» آورده شده که سرشار از انواع صنایع لفظی است و در آن احترام به ائمه اطهار و آل عبا مشهود است که از ویژگی‌های دوره صفوی است (میبیدی، ۱۳۷۶: ۲۱۸-۲۲۶)؛ اما مشخص نیست که فتح‌نامه به کجا فرستاده شده یا مربوط به کدام نبرد است.

در اینجا نگارنده قصد ندارد به معرفی تمام فتح‌نامه‌های دوره عثمانی بپردازد، اما به دلیل اهمیت و وفور فتح‌نامه‌نویسی در دوره مذکور تنها به معرفی دو سند مهم که در تاریخ عثمان پاشا^(۴۷) ذکر شده و از اهمیت به سزایی به عنوان فتح‌نامه‌های تاریخی برخوردار هستند، اکتفا می‌کند این فتح‌نامه‌ها در حین جنگ به سلطان وقت نوشته شدند. البته باید خاطر نشان کرد

که نمی‌توان به اصالت بسیاری از فتح‌نامه‌های این دوره اعتماد کرد؛ زیرا گاه به نظر می‌رسد در خصوص یک فتح مانند فتح چالدران ده‌ها فتح‌نامه نوشته و به مناطق مختلف فرستاده شده است. حال آنکه نسخه اصلی فتح‌نامه مشخص نیست. (ر.ک: فریدون بیگ، ۱۳۷۴: ج ۱، ۳۸۶-۴۱۶)

از مشخصه‌های فتح‌نامه‌نویسی در این دوره آن است که فتح‌نامه‌ها به خصوص آنها که از دربار عثمانی نوشته می‌شدند به زبان ترکی و بسیار طولانی بوده‌اند. البته در میان سطور فتح‌نامه‌های ترکی، اشعار فارسی به‌عنوان ضرب‌المثل یا حکمت و... به وفور استفاده شده است که خود نکته جالبی است. (همان، ج ۲، ۳-۳۱۸، ج ۱، ۵۱۵، ۳۸۵، ۲۳۵)

اما در تاریخ عثمان پاشا رساله‌ای کوچک به نثر وجود دارد که به «رساله فتح تبریز» معروف است. این رساله در اثنای اردوکنشی عثمانی به تبریز (۹۲۲ هـ. / ۱۵۸۵م) به قلم شاعر و مورّخی به نام ابراهیم رحیمی‌زاده چاوش (حریمی) نوشته شده است که شخصاً در جنگ حضور داشته و گزارش حرکت عثمانی را از ازروم به جهت تصرف تبریز به زبان ترکی توضیح داده و این رساله کوچک را در جشن ختنه سوران پسر پادشاه به سلطان مرادخان تقدیم نموده است. در این فتح‌نامه جملات سخت دشوار است و تعبیر اطناب ممل و ایجاز محل بهترین توصیف برای آن است. جمله‌ها بسیار بلند و پیچیده است که جان کلام در جمله‌های بلند گم شده و باید برای فهم جملات استنباطات شخصی را بدان افزود که نشانه درازنویسی و تکلفات بسیار عصر صفوی است. (ابوبکرین عبدالله، ۱۳۸۷: ۱۱۸-۱۰۵)

اثر دیگر متن «فتح‌نامه ارسالی عثمان پاشا از دمیر قاپو به عوض افندی» درباره پیروزی‌های نظامی اردوی عثمانی در قفقاز است، نویسنده همانند اثر قبلی نهایت تلاش خود را در نوشتن جملات مغلق با عبارات و ترکیب‌های ترکی، عربی و فارسی به‌کار برده است. در این نامه سختی‌های عثمان پاشا در جنگ عثمانی است. اما آنچه مهم است گزارش‌های دقیق این دو سند در خصوص لشکرکشی و پیروزی‌های عثمانی است. آگاهی‌های قوم‌شناسی، اطلاعات جغرافیایی و جغرافیای تاریخی، آگاهی از بنای تاریخی شهرهای ایران و آبادانی شهرهای آذربایجان، آگاهی درباره مردم تبریز و قتل و کشتار آنان توسط سربازان عثمانی و شناخت فرقه‌ها و گروه‌های اجتماعی حاضر در نبردها بخشی از

اطلاعات موجود در این فتح‌نامه‌هاست (همان). لازم به توضیح است در منشآت فریدون بیگ با انبوهی از فتح‌نامه‌ها روبه‌رو هستیم که اکثراً از سوی سلطان سلیم یا سلطان محمد غازی به اطراف و اکناف و حاکمان وقت فرستاده شده است.^(۴۸)

ارکان فتح‌نامه

نگارنده پس از بررسی حدود شصت فتح‌نامه در ادوار مختلف اسلامی و به خصوص پس از نیمه دوم قرن دوم قمری و گذر از عصر تحول در نثر که فتح‌نامه شکل و قالب هماهنگ‌تری به خود گرفت، ارکان فتح‌نامه‌ها را به قراری که در ذیل خواهد آمد، استخراج نمود. در برخی منابع و مأخذ این ارکان از نظر تعداد با هم تفاوت دارد اما روح کلی مطالب کاملاً یکسان است.

۱. تحمید و تمجید خداوند متعال و بیان صفات جلال و جمال الهی.
۲. صلوات بر رسول خدا و آل و اصحاب او و بر تمامی پیامبران و بیان برخی آیات در خصوص فضیلت جهاد و دفاع در اسلام.
۳. بیان وظایف سلاطین در کاهش ظلم و ستم و دفع اشرار.
۴. بیان دلیل عزیمت سلطان به جهت پایان دادن بر اعمال نادرست قوم ظالم و تلاش سلطان به جهت ایجاد صلح و آرامش قبل از وقوع جنگ.
۵. ذکر چگونگی عزیمت سلطان و جمع‌آوری و آماده‌کردن سپاهیان.
۶. شرح میدان نبرد اعم از انبوه سربازان، موقعیت دشمن، بزرگ جلوه‌دادن تعداد دشمن و مقاومت آنان، بیان جسارت خصم و سرسختی و قدرت دشمن، ذکر آلات جنگی و توصیف صحنه نبرد و بیان اسامی فرماندهان دو طرف. این رکن از ارکان فتح‌نامه بسیار مهم است. در این رکن «هر اندازه مجال کلام وسیع‌تر می‌شد رساتر و تمام‌تر بود». (قلقشندی، ج ۶ ص ۳۱۸)
۷. ذکر دلایل و کیفیت پیروزی سلطان.
۸. ذکر غنائم جنگی و بیان مقتولان اسرا و فراری‌ها.
۹. ذکر افراد، طبقات و گروه‌هایی که مخاطبان مورد نظر فتح‌نامه بودند و مکان‌هایی که

باید فتح‌نامه در آنجا خوانده می‌شد.

۱۰. پس از حصول پیروزی بیان نوع برخورد با مردم علت تخویف و تهدید آنها یا اگر صلح اتفاق افتاده باشد دلایل آن.
۱۱. سفارش در اهتمام به امور مردم و ضبط و ربط امور سرزمین فتح‌شده.
۱۲. سفارش بر اعلان پیروزی در بر و بحر و اظهار شادی، مسرت و دعا در پایان و صلوات بر رسول خدا و حمد و سپاس الهی.^(۴۹)

حاصل سخن

فتح‌نامه‌نویسی در جهان اسلام بیشتر از میراث فرهنگی عربستان و ایران متأثر بوده است. پس از اسلام سبک قرآن و تحول معنوی عصر رسول اکرم(ص) نیز بر نگارش فتح‌نامه‌ها تأثیر نهاد. در عصر خلفای راشدین و تا حدودی امویان فتح‌نامه‌ها ساده و به دور از حاشیه و مبالغه نوشته می‌شدند، ولی کم‌کم پس از گذر از عصر تحول در نثر، فتح‌نامه‌نویسی نیز به عنوان یکی از مکاتیب دیوانی رسمیت یافت و از نظر کیفی ارکان تازه‌ای را بر خود پذیرفت و به‌علت بروز آشفتگی‌های سیاسی و نظامی در سرتاسر جهان اسلام از نظر کمی نیز رواج و گسترش روزافزونی یافت.

فتح‌نامه‌ها توسط منشیان، دبیران و فرماندهان فاتح نوشته می‌شدند و بر طبق گزارش‌های تاریخی اکثر فتح‌نامه‌ها (به جز دوره عثمانی) توسط وزرا و منشیان ایرانی نوشته می‌شده است و معمولاً حاوی جزئیات مهم و اطلاعات ذی‌قیمتی در خصوص اوضاع سیاسی - اجتماعی، فرهنگی، نظامی، آگاهی‌های مهم قوم‌شناسی، جغرافیای تاریخی، شناخت بناهای تاریخی شهرها، ویرانی و آبادانی شهرها، طبقات اجتماعی، انعکاس اوضاع دینی و مذهبی، سبک ادبی رایج در آن دوره و آشنایی با افراد مؤثر در جنگ یا بزرگان سیاسی خود بود و به‌عنوان سند تاریخی مهم محسوب می‌شدند که در تحقیقات تاریخی مورد توجه پژوهشگران می‌گردید.

بررسی متن فتح‌نامه‌ها در هر دوره تغییرات و تحولاتی در سبک نگارش آنها می‌رساند که اغلب به سلیقه نویسندگان بستگی داشته است. معمولاً هدف اصلی از نگارش فتح‌نامه‌ها

فتح‌نامه‌نویسی (در ایران و اسلام) ۲۰۷

نمایش قدرت در میان دوستان و دشمنان بوده است. اگر فتح‌نامه‌ها خطاب به سلاطین نوشته می‌شد دقایق فنی زیادی در آنها مراعات می‌گردید. پس از دوره عباسی و نفوذ ایرانیان در دیوان‌ها فتح‌نامه‌ها ارکان و شکل ثابتی پذیرفتند و منشیان معمولاً این ارکان را در فتح‌نامه‌نویسی رعایت کردند.

پی‌نوشت‌ها

۱. حسن مخلصی از قصبه آذربایجان بود و شغلش به ترتیب‌دادن قبای فتح برای فاتحان منحصر بوده است که برای میرزا احمد وزیر قبای فتحی آراسته و ترتیب می‌داد (تربیت، دانشمندان آذربایجان، ۴۸۸).
۲. منظور تمام دوره حکومت عثمانی را تا حکومت سلطان سلیم مدنظر داشته است.
۳. سفینه تبریز، فتح‌نامه بغداد، ۴۳۹؛ همچنین بسیاری از فتح‌نامه‌های دوره صفویه و عثمانی به‌جهت اطلاع بیشتر بنگرید به منشآت فریدون‌بیگ که فتح‌نامه‌های عثمانی در آنجا آورده شده که سرشار از تحقیر و توهین به اعتقادات صفویان است.
۴. آق‌سرای، مسامره‌الآخبار و مسایره‌الآخبار (تاریخ سلاجقه)، فتح‌نامه پسر خطیر درخصوص دفع حمله مغول آمده است. (آق‌سرای، ۱۳۶۲: ۱۰۵-۱۰۶)
۵. در زمان خلیفه مکتفی دبیر سپاه محمد بن سلیمان از سرداران بنی‌طولون و کاتب سپاه که بعدها به معتضد پیوست، خود فرمانده جنگ بود (ابن‌خلدون، ۱۳۶۶: ج ۲، ۵۲۲؛ نیز: طبری، ۱۳۶۴: ج ۱۴، ۶۲۰۴).
۶. ابن اثیر، ۱۲۴۴: ۲۹۶؛ عسکری، ۱۹۵۲: ۱۱۸-۱۱۷؛ نویری، ج ۷، ۴۱۹۳؛ قلقشندی می‌گوید: «در فتح‌نامه‌ها اگر مخاطب پادشاه بود، کلام مبسوط‌تر و اطناب بیشتر و شرح تمام‌تر بوده است و اگر به پادشاهی غیرمسلمان و غایب محارب نوشته می‌شد، نیز همین روش به کار می‌رفت و اگر به پادشاهی که دوست بود، ولی با دشمن ارتباط داشت، نوشته می‌شد، فتح‌نامه به‌صورت اخبار توأم با تهدید و تخویف و تقریب بود.» (قلقشندی، ج ۲، ۳۲۷ و ج ۶، ۳۳۷-۳۱۹)
۷. نگارنده به اغلب ظفرنامه‌های موجود از کهن‌ترین آنها که ظفرنامه ابن‌سینا (۳۸۰-۴۲۸) است تا ظفرنامه حمدالله مستوفی (متوفی ۸۵۰) که درباره تاریخ ایران و فتوحات اعراب است و ظفرنامه نظام‌الدین شامی در تاریخ فتوحات امیر تیمور (از سال ۸۰۴) و ظفرنامه شرف‌الدین علی یزدی (متوفی ۸۵۸) که از ظفرنامه نظام‌الدین شامی متأثر است و ظفرنامه هاتفی... و ظفرنامه عالمگیری مراجعه کرده و نامه‌های فتح را در این ظفرنامه‌ها جست‌وجو کرده است، اما از آنجا که این ظفرنامه‌ها چه به نظم و چه به نثر درباره تاریخ سیاسی، فتوحات و لشکرکشی‌ها است نه «نامه‌های فتح» و غالباً نیز مطالب آنها تکراری از

- ظفرنامه‌های قبلی است، خصوصاً در تاریخ لشگرکشی‌های تیمور. بنابراین از نظر منبع‌شناسی «فتح‌نامه‌ها» که در مقدمه تعریف کاملی از آن ارائه شده است، کمتر مورد توجه قرار می‌گیرند.
۸. مانند فتح‌نامه الموت به انشای عطاملک جوینی یا مجموعه منشآت سلاجقه و خوارزمشاهیه و مغول، ۱۰۰، ۱۰۱ مکتوب شماره ۸، ۱۲۷، ۱۰۰؛ در کتاب *التوسل والتوسل* سه نمونه فتح‌نامه موجود است.
۹. مانند «فتح‌نامه هرات» یا «فتح‌نامه بحرین» که میرزا محمد رفیع منشی‌الممالک در دارالسلطه قزوین از سوی نادرشاه نوشت. (وحید قزوینی، نادرشاه و بازماندگانش همراه با نامه‌های سلطنتی و اسناد سیاسی و اداری، توضیحات و حواشی نوایی، انتشارات زرین، تهران، ۱۳۶۸).
۱۰. خطبا گاه مردم را به جنگ‌افروزی تشویق می‌کردند و گاه به آشتی و صلح‌فرا می‌خواندند. خطابه‌ها معمولاً از مبالغه و ارزش‌های فنی دور و زبان زنده مردم بود و متین و محکم بود؛ زیرا اعراب به عبارت‌پردازی در نثر علاقه‌ای نداشتند (ضیاف، ۱۳۶: ۴۴۰-۴۲۷؛ فاخوری، ۱۳۶۸: ۱۵۶-۱۵۵).
۱۱. جهت اطلاع بیشتر ر.ک: Benreniste, 1932: 245-293.
۱۲. خطیبی، ۱۳۶۶: ۲۹۲؛ در نامه‌هایی که به شاهان نوشته می‌شد، معمولاً شیوه‌ایبجاز در احکام و فرامین و مناشیر فتح‌نامه‌ها و عهود و دیگر اقسام مراسلات که از جانب پادشاهان به امرا و حکام و ملوک و طبقات دیگر فرستاده می‌شد. روش اطنا ب به کار می‌رفت. (دینوری، ۱۴۵: ج ۱، ۴۵)
۱۳. ترجمه بسیاری از آثار علمی و فلسفی و قصص و روایات از زبان یونانی و هندی به زبان پهلوی ساسانی ترجمه شد و قسمت عمده‌ای از آنها بعد از اسلام از این زبان به عربی ترجمه شد (خطیبی، ۷۳).
۱۴. ضرورت حکم کرد که نخستین امویان هم کارگزاران یونانی زبان و هم زبان یونانی را در دیوان سلطنتی آن دوره در دمشق حفظ کنند. در این دوره ترجمه سیاست‌نامه‌های یونانی به صورت مکاتبه میان ارسطو و اسکندر کبیر با حمایت کاتب هشام، سالم ابوالعلاء، انجام شد (گوتاس، ۱۳۸۱: ۲۷ و ۳۴/۳۲؛ عالم‌زاده، سجادی، ۱۳۷۵: ۲۹)؛ از اواخر قرن اول به تدریج ایرانیان با آشنایی کاملی که از نثر پهلوی داشتند در دواوین عرب نفوذ کردند و بعدها بلاغت یونانی هم شهرت و رواج یافت و این دو به ترتیب در نثر عربی نفوذ کردند (خطیبی، ۱۳۶۶: به نقل از امراءالبیان محمدعلی کردنژاد، ۴۱).
۱۵. برای اطلاع بیشتر نک: مجمع‌البیان، ج ۲، ۵۳۰-۵۲۰؛ تفسیر آیات ۱۴-۶ سوره انفال در ج ۹ المیزان؛ آیات ۱۲ و ۱۳ و ۱۲۷-۱۲۳ آل عمران ۷۷ و ۷۸، نساء/۱۹-۱.
۱۶. فتح‌نامه خالدبن ولید خطاب به ابوبکر در مصاف با لشگر روم و هرقل در شام، یا فتح‌نامه خالدبن ولید به ابوعبیده در فتح بعلبک یا فتح‌نامه ابوعبیده در فتح حمص به عمر از این نوع‌اند (به جهت اطلاع بیشتر بنگرید: ابن اعثم کوفی، ۱۳۷۳: ۱۱۸-۱۱۶ و ۹۸ و ۷۵-۷۴).
۱۷. همان، ۱۴۷؛ همچنین، «بسم‌الله الرحمن الرحیم من ابی عبیده عامر بن الجراح الی امیرالمؤمنین عمر بن الخطاب سلام علیک فانی احمدالله الذی لا اله الا هو و صلی علی نبیّه محمد صلی الله علیه و

فتح‌نامه‌نویسی (در ایران و اسلام) ۲۰۹

سلم واعلم یا امیرالمؤمنین ان الله عزوجل فتح علينا قنسرین و شینا الغاره علی ارض العواصم و قد فتح الله مدینه حلب... والسلام علیک و رحمہ الله و برکاتہ علی جمیع المسلمین» (فریدون بیگ، ۱۲۷۴: ج ۱، ۳۹).

۱۸. اسلوب قرآن کریم و احادیث نبوی و مکاتیب و خطب پیامبر و صحابه و خلفا در نثر عربی کمال بیش از یک قرن به همان صورت پیروی شد و به تصریح اکثر مورخان ادب، بدون اندک تغییر تا روزگار ولیدبن عبدالملک اموی از آن پیروی شد (ابن عبدربه، ۱۴۰۴: ج ۳، ۴).

۱۹. اما بعد، فالحمد لله الذی لاتنقیح مواد نعمة عن خلفه حتی تنقطع منهم مواد الشکر... (قلقشندی، ج ۸، ۲۷۸ و ۲۷۷).

۲۰. از مختاربن ابی عبیده، درود بر تو ای مهدی. و من حمد خدا می‌کنم... سر عمر بن سعد و پسرش را برای تو فرستادم... از آنها در کشتن حسین و اهل بیت وی که رحمت خدا بر آنها باد، شرکت داشته بودند هر که را به دست آوردیم بکشیم...» (طبری، ۱۳۶۴: ج ۸، ۳۳۵۳ و ۳۳۵۳).

۲۱. همان، علاوه بر آن فتح‌نامه یسائیری به المستنصر (ر.ک: ابن خلدون، ۱۳۶۶: ج ۲، ۷۱۹). یا فتح‌نامه طبرستان که به دست محمد بن طاهر نیز چنین حالتی داشتند (طبری، ۱۳۶۴: ج ۴، ۶۱۷۹) محمد بن عبدالله، سعید بن احمد را گفت که: مکتوبی نویسد و نبرد و پیروزی را در آن ذکر کند و فتح‌نامه مفصلی است (همان، ج ۱۴، ۶۱۷۳ - ۶۱۶۵) یا فتح‌نامه محمد بن طاهر به مستعین درباره هزیمت حسن بن زید که مستعین دستور داد آن را در همه جا بخوانند (همان، ج ۱۴، ۶۱۸۰). یا فتح‌نامه‌ای که محمد بن سلیمان (از سرداران ابن طولون و کاتب سپاه که بعدها به معتضد پیوست) که در زمان خلیفه مکتفی فتح‌نامه پیروزی علیه حسین بن زکریه قرمطی را نوشت که این فتح‌نامه دارای متنی ساده و قابل فهم و به دور از تکلف در لفظ بود و به وزیر قاسم بن عبیدالله فرستاد (ابن خلدون، ۱۳۶۶: ج ۲، ۵۵۲؛ طبری، ۱۳۶۴: ج ۱۴، ۶۲۰۴).

۲۲. عبدالله بن بشیر از جمله خویشان فضل بن سهل پس از شکست خوارج به او نامه نوشت که «از آن جمله نیستم که فتح‌نامه توانم نوشت و عبارات و استعارات در قلم توانم آورد» (عقیلی، ۱۳۶۴: ۷۴).

۲۳. اغلب کاتبان به خواندن فتح‌نامه بر منابر خصوصاً روزهای جمعه به هنگام قرائت نماز جمعه تأکید کرده‌اند. ر.ک: یزدی، ظفرنامه، ۱۳۴-۳۱۳؛ طبری، ۱۳۶۴: ج ۱۴، ۶۱۶۵).

۲۴. متن کامل فتح‌نامه در جلد هشتم کتاب منتظم ابن جوزی ص ۳۸-۴۰ آمده است. در عصر محمود غزنوی شعر گویی در خصوص فتوحات رواج بیشتری یافت به عنوان مثال شعر ابومنصور ثعالبی درباره فتح شهر سیستان؛ همچنین ر.ک: باسورث، ۱۳۷۸: ج ۱، ۵۲. ابوالقاسم بن عبدالله المستوفی فتح‌نامه منظومی در مدح سلطان محمود نوشت (جرفادقانی، ۱۳۷۴: ۳۶۶، ۲۸۹-۲۹۱).

۲۵. از عهد ناصرالدین سبکتکین تا بدو سلطنت سلطان محمود دیوان رسائل را برعهده دشات (ر.ک:

۲۱۰ فرهنگ، ویژه تاریخ

جرفادقانی، ۱۳۷۴: ۳۱، ۲۶).

۲۶. فتح‌نامه بخارا از طرف سلطان آلب ارسلان سلجوقی که در یک جنگ قدیمی ثبت است، آقای حسین نخجوانی استنساخ نموده و پس از رفع اشکالات در نشریه یغما به چاپ رسانیده است. ایشان نام جنگ را بیان نمی‌کنند و تنها گفته‌اند این جنگ بسیار قدیمی است و تاریخ تحریر آن به ۶۱۶ ق می‌رسد تقریباً به نهمصد سال قبل و مشتمل بر حکایت سلاطین و وزراء است و آقای نخجوانی لغات مشکل متن را در پاورقی توضیح داده است، (ر.ک: نخجوانی، ۱۳۴۷: ۳۷۵-۳۷۰).

۲۷. بهاء‌الدین بغدادی، ۱۳۱۵: ۱۳۹-۱۳۴؛ خواندمیر، ۱۳۵۳: ۶۴۴، ۶۴۳ «سلطان محمد از مشاهده صورت فتح و نصرت مبهتج و مسرور گشته و لوازم شکر و سپاس کریم ملک‌بخش به‌جای آورد و منشیان عطاردفننت نام‌ها قلمی کرده به دستور معهود لقب جناب سلطانی را اسکندر ثانی می‌نوشتند... پادشاه ظفرپناه تا نیکوتر از او با فتح‌نامه به خوارزم فرستاد و به نفس نفیس روی به جنگ حاکم اترار نهاد». ۲۸. جوینی، ۱۳۵۵: ۱۸۰-۱۷۷، نکته بارز این فتح‌نامه تأکید بر عظمت، قدرت و هیبت سپاه خودی است و لطف و مرحمتی که به مردم اخلاط و آوردن نام مجرمان از جمله برادران ملک اشرف... اشاره به این نکته که تمام ارکان ملک بنی‌ایوب امروز در ملک عبودیت منتظم‌اند و مخاطبان در این فتح‌نامه مشخص شدند. قصیده خاقانی در مدح فتح اصفهان به دست تکش (حک: ۵۹۸-۵۶۶).

مژده که خوارزم‌شاه ملک صفاها نگرفت ملک عراقین را همچو خراسان گرفت
ماهچه چتر او قلعه گردون گشاد مورچه تیغ او ملک سلیمان گرفت

۲۹. القاضی الفاضل عبدالرحیم علی‌البیسانی اللخمی، در عسقلان به دنیا آمد و در فلسطین رشد کرد. سپس به اسکندریه و قاهره آمد و وزیر صلاح‌الدین در مصر شد و در سال ۵۹۶ ق فوت کرد. (ابن اثیر، ۱۲۴۴: ج ۲، ۱۲۰).

۳۰. جهت اطلاع بیشتر ر.ک: قلقشندی، ج ۸، ۲۸۱، ج ۶، ۵۱۱-۵۰۶؛ ابن خلکان، ۱۳۶۴: ج ۲، ۵۸۴؛ یا «فتح‌نامه قدس» که به انشای عماد اصفهانی به بغداد ارسال شد «الحمد لله علی ما انجز من هذا الوعد...» (قلقشندی، ج ۶، ۵۱۷، ج ۸ ص ۲۸۲).

۳۱. فتح‌نامه بغداد در مقاله تحقیقی نگارنده در نیم‌سال‌نامه تاریخ و تمدن اسلامی شماره ۵ به چاپ رسیده است. فتح‌نامه بغداد در مجموعه نفیس سفینه تبریز و جوامع‌التواریخ رشیدی و تاریخ و صاف و تاریخ سلاجقه آمده و در سفینه تبریز و جامع‌التواریخ رشیدی به این نکته اشاره شده است که این فتح‌نامه به انشای خواجه نصیرالدین طوسی است، البته متن فتح‌نامه مندرج در جامع‌التواریخ رشیدی با سه منبع دیگر کاملاً متفاوت است؛ زیرا بسیار کوتاه و فاقد نکات ارزشمندی است که در منابع دیگر مندرج است در جامع‌التواریخ رشیدی چنین آمده است: «از جمله فتح‌نامه بغداد که در نوزدهم ربیع‌الاول رسولان حلب را که به بغداد آمده بودند، بازگردانیدند حامل مکتوبی که خواجه نصیرالدین طوسی به فرمان

فتح‌نامه‌نویسی (در ایران و اسلام) ۲۱۱

هولاکو به عربی سواد کرده بود و نسخه آن این است: اما بعد فقد نزلنا بغداد سنه ست و خمسين ستمائه فساء صباح المنذرين فدعونا مالکها و ابی فحق علیه القول فاخذناه اخذا وبيلا و قد دعوناك الى طاعتنا فان اتيت فروح و ريحان و ان ابیت فخری و خسران فلاتكن كالباحث عن حتفه بظلفه والجادع مارن انفه بكفه فتكون من الاخسرین اعمالا الذين ضل سعيهم فی الحيوه الدنيا و هم يحسبون انهم يحسنون صنعا و ما ذلك علی الله بعزیز والسلام علی من اتبع الهدی» (جامع التواریخ رشیدی، ج ۲، ۱۰۲۰) جهت اطلاع بیشتر ر.ک: قربان‌نژاد، فصلنامه تخصصی تاریخ و تمدن اسلامی: ۸۴ - ۵۹.

۳۲. این فتح‌نامه بسیار طولانی است و چون گزارشی مستند از جریان فتح قلعه الموت از اسماعیلیه و جزئیات بسیاری راجع به غلاه و فداییان و تسلیم رکن‌الدین خورشاه دارد. (جوینی، ۱۳۵۵: ج ۳، ۱۱۴-۱۴۲).

۳۳. در تاریخ سلاجقه آمده است: «خبر فرستادند ظاهر بر لشگر مغول زده است و لشگر مغول منهزم شده است شرف‌الدین خطیر نیز بی‌آنکه تحقیق آن خبر کند در آن شطارت بصر بصیرتش چنان فرو بست که به تعجیل تمام فتح‌نامه‌ها به بلا و ولایات روان کرد» (آق‌سرای، ۱۳۶۲: ۱۰۵).

۳۴. جهت اطلاع بیشتر ر.ک: تهرانی، تاریخ دیار بکریه، تصحیح نجاتی لوغال - فاروق سومر، طهوری، تهران، ۱۳۵۶.

۳۵. در سال‌های ۸۰۷ و ۹۰۷ هجری در مغرب ایران دولت عظیم عثمانی روزبه‌روز ریشه‌دارتر شد و متعاقب آن هرج و مرج ناشی از حمله تیمور و تقسیم شبه جزیره آناتولی میان حکام محلی مثل قرامانیان ترکان تحت حکومت خردمندانه سلطان محمد اول معروف به چلبی توانستند پایه‌های متزلزل سلطنت عثمانی را از آسیب انهدام قطعی حفظ کنند. (نوابی، ۱۳۷۰: ۲۱-۲۰).

۳۶. فی‌المثل در مجموعه مکاتبات صفوی که عبدالحسین نصیری طوسی منشی فراهم کرد قسمت اعظم مکاتیب یا انشای همین شخص است یا انشای اعتمادالدوله حاتم‌بیگ منشی معروف. (همان، ۲۳-۲۲) ۳۷. این مجموعه شامل ۷ فصل است که براساس حکومت‌ها و به ترتیب زمان فصل‌بندی شده است. فصل اول درباره منشآت زمان سلجوقیان و فصل ششم و هفتم راجع به مکاتبات زمان شاه صفی و مراسلات نواب... است.

۳۸. آل مظفر پس از انقراض دولت هلاکو بر اصفهان و فارس غلبه یافتند. شاه شجاع و شاه محمود فرزندان محمدبن مظفر بودند که پس از او جانشین وی شدند و بر پدر تحکم می‌کردند و در سال ۷۶۰ پدر را کور کردن. در سال ۷۸۸ تیمور تبریز را گرفت و پس از سال ۷۹۵ شکست خوردند (ابن خلدون، ۱۳۶۶: ۷۹۸ و ۷۹۹).

۳۹. جمال‌الدین حاجی منشی ملقب به منشی‌الممالک از ادبای شیراز که تا سال ۷۸۲ زنده بود و شعر فارسی خوب می‌گفته است و کتابی به نام غرایب‌الخبار و نوادر‌الآثار نوشته است بعضی نام او را امیر جمال‌الدین

۲۱۲ فرهنگ، ویژه تاریخ

تاج‌الدین علی شروانی نوشته‌اند (نفیسی، ۱۳۶۳: ج ۱، ۲۱۵).

۴۰. یکی از مجموعه‌های نادر و درخور تأمل که به حق آن را می‌توان دایره‌المعارف گونه‌ای از ادب و تاریخ و داستان و روایت و فکاهت به‌شمار آورد. بیاض تاج‌الدین وزیر است که به همت ایرج افشار و مرتضی تیموری در شهریور ۱۳۵۳ در دانشگاه اصفهان به چاپ رسیده است. بازخوانی این جنگ پر ارج که یادگاری از نسخ خطی فاخر و نفیس قرن هشتم است مطالعه‌ای فراگیر و امعان نظری ژرف می‌خواهد. (موسوی، ۱۳۷۹: ۱۰۸-۹۱)

۴۱. علت حرکت، مسیر حرکت و شکر و ثنای خدا... تاریخ نگارش ۱۷ ذی‌الحجه ۷۶۸ ق به‌جهت اطلاع بیشتر ر.ک: تاج‌الدین احمد وزیر، ۱۳۵۳.

۴۲. نوایی، از تیمور تا شاه اسماعیل، ۱۸۹-۱۹۱؛ فتح‌نامه شاهرخ به سلطان محمد غازی مینی بر غلبه به قرا یوسف و مردن او در ۸۲۳ (فریدون بیگ، ۱۳۷۴: ج ۱، ۱۶۰-۱۶۰؛ نوایی، ۱۳۷۰: ۲۰۵-۲۰۲).

۴۳. در سال ۸۳۲ شاهرخ به آذربایجان حمله کرد ولی از ترس اسکندر میرزا نتوانست در آنجا بماند؛ جهت اطلاع بیشتر ر.ک: نوایی، ۱۳۷۰: ۲۲۳-۲۱۹، ۲۰۱-۱۹۸.

۴۴. درحیوچه نبرد قراقوینلو و تیموریان سواد فتح‌نامه‌ای که میرزا شاهرخ به‌جهت دفع فرایوسف ترکان به ممالک محروسه فرستاد از اشعار فارسی بهره برده است. این فتح‌نامه حاوی شکر ثنا و مقدمه‌چینی است و علت لشگرکشی را ظلم قرایوسف ترکان به ملت آذربایجان و مسدود شدن راه بیت‌الحرام بیان می‌کند متن فتح‌نامه کاملاً قابل فهم و ساده است.

۴۵. مانند فتح‌نامه میرزا اسکندر درباره غلبه بر قره عثمان (نوایی، ۱۳۷۰: ۲۱۷-۲۱۵) به‌عنوان مثال فتح‌نامه‌ای از اوزون حسن به سلطان عثمانی بایزید بیگ در جریان پیروزی‌اش بر سلطان سعید میرزا در ۸۷۳ ق/۴۶۷ م. یا فتح‌نامه اوزون حسن به حاکمی ناشناس احتمالاً سلطان اول عثمانی محمد اول درباره لشگرکشی‌اش به هندوستان که پر از تشبیه و مقدمه‌چینی است و از آیات و عبارات عربی استفاده شده است. یا اینکه اوزون حسن صاحب منصب عثمانی اسحاق پاشا را در جریان پیروزی‌اش بر جهان‌شاه میرزا و سلطان ابوسعید قرار می‌دهد به‌جهت اطلاع بیشتر ر.ک: نوایی، ۱۳۷۰: ۲۸۷-۲۸۵؛ بانک اطلاعات - تصویری اسناد تاریخ ایران و آسیای مرکزی، سند شماره ۵۶۲، آدرس سایت www.asnad.org.

۴۶. مانند منشآت فریدون بیگ جلد اول و دوم، منشآت حسین بن معین‌الدین میبیدی، عباس‌نامه وحید قزوینی، منشآت حیدر ایواوغلی، منشآت وحید قزوینی و تاریخ عثمان پاشا و بسیاری از منابع و مآخذ مربوط به آن عصر.

۴۷. «تاریخ عثمان پاشا حاوی گزارش‌های زنده و مستندی است از چگونگی حرکت اردوی عثمانی از استانبول تا پیشروی به مرزهای شمال غربی و غرب ایران در قفقاز و آذربایجان و جزئیات سودمندی از توصیف جنگ‌ها میان قوای قزلباش و قشون عثمانی به‌عنوان منابع دست اول ارائه می‌دهد که علاوه

فتح‌نامه‌نویسی (در ایران و اسلام) ۲۱۳

بر آگاهی‌هایی از برخورد صفویان و عثمانی در بین سال‌های ۹۸۶ تا ۹۹۳ هـ. ق آگاهی‌های مهم و درخور توجه دیگری نیز به دست می‌دهد. این اثر برای شناخت تاریخ ایران و روابط این کشور با دولت عثمانی در یک مقطع کوتاه دوران صفوی؛ یعنی دوره سلطنت شاه‌محمد خدابنده است و از آن جهت که روایتی است مستند به قلم دو مورخ عثمانی می‌تواند برای آگاهی پژوهشگران تاریخ ایران از آنچه که در جبهه مقابل صفویان؛ یعنی قلمرو عثمانیان نوشته شده هرچه بیشتر بیفزاید.» (ابوبکر بن عبدالله، ۱۳۸۷: ۲۰)

۴۸. مانند فتح‌نامه مصر» به انشای مولانا ادريس که از سوی سلطان سلیم به حاکم گیلان فرستاده شد و «فتح‌نامه چالدران» از سوی سلطان سلیم برای آگاهی بیشتر ر.ک: فریدون بیگ، ۱۲۷۴.

۴۹. جهت اطلاع بیشتر ر.ک: قلقشندی، ج ۸، ۶۷۲؛ گاون، ۱۹۴۸؛ ۱۹۴-۱۹۱؛ الحلی، حسن التوسل الی صناعه الترسل، ۳۳۲-۳۴۱؛ خطیبی ۱۳۶۱: ۳۸۱؛

Lowis, "Fathname", Encyclopedia of Islam, p.839.

کتابنامه

آذرنوش، آذرتاش. ۱۳۷۷. *تاریخ زبان و فرهنگ عربی*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه، انتشارات علمی و فرهنگی.

آق‌سرابی، محمود بن محمد. ۱۳۶۲. *تاریخ سلاجقه (مسامرة الاخبار و مسایرة الاخیار)* به کوشش عثمان توران، تهران: انتشارات اساطیر.

ابن اثیر، نصرالله بن محمد. ۱۲۴۴. *المثل السائر فی ادب الکاتب والشاعر*. بولاق: مطبعه العامره.

ابن اعثم کوفی، ابو محمد احمد. ۱۳۷۳. *الفتوح*. ترجمه محمد بن احمد مستوفی هروی. تصحیح طباطبائی مجد. تهران: انتشارات آموزش انقلاب اسلامی.

ابن جوزی. عبدالرحمن بن علی. ۱۴۱۲ق. *المنتظم فی تاریخ الملوک والامم*، تحقیق محمد عبدالقادر عطا و ...، بیروت: دارالکتب العلمیه.

ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد. ۱۳۶۶. *العبر*، ترجمه عبدالمحمد آیتی. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات.

ابن خلکان، احمد بن محمد. ۱۳۶۴. *وفیات الاعیان*. حقه احسان عباس، ج ۸، قم: الشریف الرضی.

ابن عبد ربّه، احمد بن محمد. ۱۴۰۴. *العقد الفرید*، تحقیق محمدالترجینی. بیروت: دارالکتب العلمیه.

ابوالقاسمی، محسن. ۱۳۸۳. *شعر در ایران پیش از اسلام*. تهران: طهوری.

ابوبکر بن عبدالله. *تاریخ عثمان پاشا*. ۱۳۸۷. مقدمه و توضیحات نصرالله صالحی. ترجمه از ترکی استانبولی به کوشش یونس زیرک، تهران:

۲۱۴ فرهنگ، ویژه تاریخ

- احمد بن عبدالوهاب. ۱۳۴۲-۱۳۷۲ق. *نهایه‌الارب فی فنون الادب*، قاهره: دارالکتب المصریه.
- باسورث، کلیفورد ادموند. ۱۳۷۸. *تاریخ غزنویان*. ترجمه حسن انوشه، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- بغدادی، بهاء‌الدین محمدبن مؤید. ۱۳۱۵. *التوسل الی الترسل*. مقابله و تصحیح احمد بهمنیار. تهران: شرکت سهامی چاپ.
- بیهقی، ابراهیم‌بن محمد. ۱۳۲۵. *المحاسن والمساوی*، تصحیح محمد بدرالدین النعسانی‌الحلبی. قاهره: محمد امین‌الخانجی‌الکتبی و شرکاء.
- بیهقی، خواجه ابوالفضل محمدبن حسین. ۱۳۶۷. *تاریخ بیهقی* (با معنی واژه‌ها و شرح جمله‌های دشوار و برخی نکته‌های دستوری و ادبی). خلیل خطیب رهبر. تهران: سعدی.
- تاج‌الدین احمد وزیر. ۱۳۵۳. *بیاض*. زیر نظر ایرج افشار و مرتضی تیموری، اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.
- تبریزی، ابوالمجد محمد بن مسعود. *سقیة تبریز*، تاریخ کتابت ۷۲۱-۷۲۳.
- تفضلی، احمد. ۱۳۷۶. «کرتیر و سیاست اتحاد دین و دولت در دوره ساسانی»، یکی *قطره باران*، جشن‌نامه زریاب خوبی، تهران: نشر قطره.
- تهرانی، ابوبکر. ۱۳۵۶. *دیار بکریه*. تصحیح نجاتی لوغال - فاروق سومر. تهران: طهوری.
- تهرانی، شیخ آقا بزرگ. ۱۴۰۵. *الذریعه الی تصانیف‌الشیعه*. بیروت: دارالاضواء.
- جرفادقانی، ابوالشرف ناصح بن ظفر. ۱۳۷۴. *تاریخ یمینی*، تصحیح جعفر شعار. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- جوینی، علاء‌الدین عطاملک بن بهاء‌الدین محمد. ۱۳۵۵ هـ. ق. *تاریخ جهانگشا*، به اهتمام محمدبن عبدالوهاب قزوینی. ۳ج. هلند:
- جهشیاری، محمد بن عبدوس. ۱۳۴۸. *الوزراء والکتاب*، ترجمه ابوالفضل طباطبایی. تهران: حیدر بیگ ایواوغلی، ابوالقاسم. *منشآت* (از زمان سلاجقه تا دوره صفویه، مربوط به قرن یازده). نسخه الکترونیکی موجود در کتابخانه بنیاد دایرة‌المعارف اسلامی.
- خطیبی، حسین. ۱۳۶۶. *فن نثر در ادب پارسی*، تهران: انتشارات زوار.
- خواند میر، غیاث‌الدین بن همادالدین. ۱۳۵۳. *تاریخ حبیب‌السیر*. زیر نظر دبیر سیاقی. تهران: انتشارات خیام.
- دهخدا، علی اکبر. ۱۳۳۵. زیر نظر محمد معین، تهران.
- دینوری، ابی‌محمد عبدالله بن مسلم بن قتیبه. ۱۴۱۵. *عیون‌الخبار*. قم.
- راوندی، محمدبن علی بن سلیمان. ۱۳۶۴. *راحة‌الصدور آیه‌السرور*. به سعی و اهتمام محمد اقبال. توضیحات مجتبی مینوی، تهران: انتشارات امیرکبیر.

فتح‌نامه‌نویسی (در ایران و اسلام) ۲۱۵

رشیدالدین فضل‌الله همدانی. ۱۳۷۳. *جامع‌التواریخ*. تصحیح محمد روشن و مصطفی موسوی. تهران: نشر البرز.

رو، ژورژ. *بین‌النهرین باستان*. ۱۳۶۶. ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی. تهران: نشر آبی. زرگری نژاد، غلامحسین. ۱۳۸۱. *تاریخ صدر اسلام*. تهران: انتشارات سمت.

زرین کوب، عبدالحسین. ۱۳۷۵. *از گذشته ادبی ایران*. تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی. ضیف، شوقی. ۱۳۶۴. *تاریخ ادبی عرب (العصر الجاهلی)*. ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگوزلو. تهران: انتشارات امیرکبیر.

طباطبائی، سید محمدحسین. بی تا. *المیزان*. ترجمه سید محمدباقر موسوی. قم: دارالعلم. طبرسی، الشیخ ابی‌علی‌الفضل بن‌الحسن. *مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن*.

طبری، محمد بن جریر. ۱۳۶۴. ترجمه ابوالقاسم پاینده. چاپ دوم. تهران: نشر اساطیر.

عالم‌زاده، هادی و صادق سجادی. ۱۳۷۵. *تاریخ‌نگاری در اسلام*. تهران: انتشارات سمت. عسگری، حسن بن عبدالله. ۱۹۵۲م. *الصناعتین‌الکتابه والشعر*. تحقیق علی‌محمد البجاوی. قاهره: دار احیاء‌الکتب‌العربیة.

عقبلی، سیف‌الدین حاجی بن نظام. ۱۳۶۴. *آثار الوزراء*. به کوشش میرجلال‌الدین محدث ارموی. تهران:

الفاخوری، حنا. ۱۳۶۸. *تاریخ ادبیات زبان عرب*. ترجمه عبدالمحمد آیتی. تهران: انتشارات توس.

فردوسی، ابوالقاسم. ۱۳۸۲. *شاهنامه*. براساس چاپ مسکو. تهران: انتشارات هرمس.

فریدون بیگ. ۱۲۷۴. *منشآت‌السلطین*. احمد توقعی. استانبول:

قربان‌نژاد، پریسا. «فتح‌نامه بغداد»، *نیم‌سالنامه تاریخ و تمدن اسلامی*، س ۳، ش ۵، تهران: واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی.

قلقشندی. ابن‌عباس احمد بن علی. *صبح‌الاعشی فی صناعة‌الانشاء*. نسخه مصوره عن الطبعه الامیریة ومذیلہ وزاره الثقافه والارشاد القومی المؤسسہ المصریہ العامه لتالیف والترجمه والطباعه والنشر.

کریستنسن، آرتور. ۱۳۷۸. *ایران در زمان ساسانیان*. ترجمه رشید یاسمی. تهران: انتشارات ساحل.

گاوان، خواجه عمادالدین محمود. ۱۹۴۸. *مناظرالانشاء*. تصحیح محشی‌الاستاد شیخ چاندین حسین. به اهتمام غلام. حیدرآباد دکن.

گوتاس، دیمیتری. ۱۳۸۱. *تفکر یونانی فرهنگ عرب*. ترجمه محمد سعید حنایی کاشانی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

موسوی، کمال. ۱۳۷۹. «فتح‌نامه اصفهان»، *فصلنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان*. ش ۲۰ و ۲۱. ۸

منزوی، احمد. ۱۳۶۲. *فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان*. اسلام‌آباد: مرکز تحقیقات

۲۱۶ فرهنگ، ویژه تاریخ

فارسی ایران و پاکستان.

میبدی، قاضی حسین بن معین‌الدین. ۱۳۷۶. منشآت تصحیح و تحقیق نصرت‌الله فروهر. تهران: میراث مکتوب.

نخجوانی، حسین. ۱۳۴۷. ماهنامه یغما. ش ۲۴۰.

نخجوانی، محمدبن هندوشاه. ۱۹۶۴ و ۱۹۷۶ م. دستورالکاتب فی تعیین‌المراتب. به سعی و اهتمام عبدالکریم علی‌اوغلی علیزاده. مسکو: فرهنگستان علوم جمهوری شوروی سوسیالیستی. نفیسی، سعید. ۱۳۶۳. تاریخ نظم و نشر در ایران و در زبان فارسی. تهران: انتشارات فروغی. نوایی، عبدالحسین. ۱۳۷۰. اسناد و مکاتبات تاریخی ایران (از تیمور تا شاه اسماعیل). تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

نادر شاه و بازماندگانش همراه با نامه‌های سلطنت و اسناد سیاسی و اداری. ۱۳۶۸. توضیحات و حواشی عبدالحسین نوایی. تهران: انتشارات زرین.

وحید قزوینی، محمد طاهر. ۱۳۲۹. عباسنامه. تصحیح و تحشیه ابراهیم دهگان. اراک: کتابفروشی داودی اراک.

هامیلتون، الکساندر اسکین کیب. ۱۳۶۲. درآمدی بر ادبیات عرب. ترجمه یعقوب آژند. تهران: انتشارات امیرکبیر.

هینتس، والتر. ۱۳۸۷. داریوش و ایرانیان (تاریخ فرهنگ و تمدن هخامنشیان). ترجمه پرویز رجبی. تهران: نشر ماهی.

Benrenist, E. 1932. Le memorial, de zarer poem Pahlavi mazdeen, JA CC XX.

Encyclpaedia iranica. 1999. edited by ehsan yarshater, fndation. Bibitheca: persica press newyrk.

Encyclopedia f Islam(new Edition). 1983. leiden: E.J.Brill.

Kent, Rolando. 1953. Old Persian grammar. American: second edition. Revised Oriental so city new haven, Connecticut.

Rosenthal, F. 1968. A historic of Muslim histoniogra phy Leiden, Brill: www. asnad.org